



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



بہار بندگی

آیت اللہ العظمیٰ صافی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بهار بندگی (ویژه مبلغان ماه مبارک رمضان)

نویسنده:

آیت الله شیخ لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر چاپی:

دفتر آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	بهار بندگی (ویژه مبلغان ماه مبارک رمضان)
۸	مشخصات کتاب
۸	سخن ناشر
۸	خطبه شعبانیه
۱۱	پیام معظم له به مناسبت حلول ماه مبارک رمضان
۱۲	روزشمار تاریخی ماه مبارک رمضان [۳]
۱۲	بیعت با ولایتعهدی امام رضا علیه السلام
۱۳	وفات جناب ابوطالب علیه السلام
۱۳	وفات حضرت خدیجه علیها السلام
۱۳	اجرای عقد اخوت
۱۴	ولادت امام حسن مجتبی علیه السلام
۱۴	ولادت حضرت جواد علیه السلام
۱۴	غزوه بدر
۱۵	فتح مکه
۱۵	شهادت مولای متقیان، امیرمؤمنان علیه السلام
۱۵	«جوانان می پرسند» [۴]
۱۵	قرآن
۱۵	اعجاز قرآن
۱۶	تحریف قرآن
۱۶	رسم الخط یا رسم الاملا
۱۷	قرآن یا ترجمه آن
۱۷	ضمیر متکلم مع الغیر در قرآن

- ۱۷ امیرالمؤمنین علیه‌السلام
- ۱۷ علم امیرالمؤمنین علیه‌السلام به شهادت خود
- ۱۸ عدم تصریح بنام امیرالمؤمنین علیه‌السلام در قرآن
- ۱۸ دعا و مناجات
- ۱۸ عربی بودن زبان ادعیه
- ۱۹ سن بلوغ
- ۱۹ سن تکلیف دختران
- ۱۹ روزه
- ۱۹ وجوب روزه
- ۲۰ «۳۰ روز، ۳۰ جلسه احکام شرعی»
- ۲۰ جلسه ۱: روزه
- ۲۲ جلسه ۲: تقلید
- ۲۲ جلسه ۳: طهارت و نجاست
- ۲۳ جلسه ۴: نماز
- ۲۴ جلسه ۵: احکام خمس
- ۲۵ جلسه ۶: خرید و فروش و اجاره
- ۲۵ جلسه ۷: حق التألیف و رأیت
- ۲۵ جلسه ۸: نذر
- ۲۶ جلسه ۹: مسابقات و شرط بندی
- ۲۶ جلسه ۱۰: قرض و ربا
- ۲۷ جلسه ۱۱: معاشرت با اهل کتاب و فرقه‌های گوناگون
- ۲۷ جلسه ۱۲: قوانین و مقررات
- ۲۷ جلسه ۱۳: حجاب و رابطه با نامحرم
- ۲۸ جلسه ۱۴: لباس و زینت

- جلسه ۱۵: نگاه کردن ۲۸
- جلسه ۱۶: پزشکی ۲۹
- جلسه ۱۷: تصرف در مال دیگری ۲۹
- جلسه ۱۸: تلویزیون و ماهواره ۳۰
- جلسه ۱۹: ازدواج ۳۱
- جلسه ۲۰: موسیقی ۳۱
- جلسه ۲۱: مراسم و مجالس مذهبی ۳۱
- جلسه ۲۲: ورزش ۳۲
- جلسه ۲۳: امر بمعروف و نهی از منکر ۳۳
- جلسه ۲۴: صله رحم ۳۳
- جلسه ۲۵: استخاره ۳۳
- جلسه ۲۶: خرافات ۳۴
- جلسه ۲۷: دروغ ۳۴
- جلسه ۲۸: غیبت ۳۵
- جلسه ۲۹: وظیفه معلم و دانش آموز ۳۵
- جلسه ۳۰: خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها ۳۶
- احادیث رمضانیه [۶] ۳۶
- مناجات امیرالمؤمنین علیه‌السلام ۴۰
- نگرشی اجمالی بر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی مدظله الوارف ۴۶
- درباره مرکز ۵۱

بهار بندگی (ویژه مبلغان ماه مبارک رمضان)**مشخصات کتاب**

عنوان و نام پدیدآور: بهار بندگی (ویژه مبلغان ماه مبارک رمضان) / مولف: لطف الله صافی گلپایگانی
 مشخصات نشر: قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی، ۱۳۸۹.
 مشخصات ظاهری: ۸۰ص.
 وضعیت فهرست نویسی: در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۰۵۲۶۹

سخن ناشر

بسم الله الرحمن الرحيم

در زمان غیبت حضرت ولی عصر بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه باید به حاملان علوم اهل بیت علیهم السلام رجوع و مسائل دینی را از آنان سؤال نمود، بلکه روش و سیره عقلاء در هر علمی پرسش از دانشمندان و کارشناسان همان علم بوده و هست و این روش در عمل، مورد تأیید و امضاء شارع مقدس نیز قرار گرفته است.

مجموعه‌ای که پیش روی دارید گزیده‌ای از آثار مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی مدظله الشریف است که از کتاب‌های «رمضان در تاریخ»، «عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق یا ماه مبارک رمضان»، «معارف دین جلد ۱ و ۲» و «پاسخ کوتاه ۱ و ۲» که همگی از تألیفات معظم له می‌باشد، گردآوری و به مناسبت ماه مبارک رمضان در اختیار ائمه محترم جمعه و جماعات و مبلغین عزیز قرار می‌گیرد. امید است این خدمت ناچیز مورد نظر و قبول قطب عالم امکان حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه قرار گیرد.

رمضان المبارک ۱۴۳۱

مطابق با مرداد ماه ۱۳۸۹

مرکز تنظیم و نشر آثار معظم له

بهار بندگی، ص: ۷

خطبه شعبانیه

عن أبي الحسن الرضا، عن أبيه، عن آبائه، عن أمير المؤمنين عليه السلام قال: إن رسول الله صلى الله عليه وآله خطبنا ذات يوم فقال

صلی الله علیه و آله: ایها الناس، إنه قد أقبل اليكم شهرُ الله بالبركة وَ الرِّحْمَةُ وَ المَغْفِرَةُ، شهرٌ هوَ عندَ الله أفضلُ الشُّهُورِ، وَ أيامُهُ أفضلُ الأيامِ، وَ لياليهِ أفضلُ الليالي، وَ ساعاتُهُ أفضلُ السَّاعاتِ، هوَ شهرٌ دُعِيتُمْ فِيهِ الى ضِيَاءِ اللهِ، وَ جُعِلْتُمْ فِيهِ مِنْ أَهْلِ كَرَامَةِ اللهِ، أَنْفَاسُكُمْ فِيهِ تَسْبِيحٌ، وَ نَوْمُكُمْ فِيهِ عِبَادَةٌ، وَ عَمَلُكُمْ فِيهِ مَقْبُولٌ، وَ دُعَاؤُكُمْ فِيهِ مُسْتَجَابٌ، فَسَلُّوا اللهُ رَبَّكُمْ بِنِيَّاتٍ صَادِقَةٍ، وَ قُلُوبٍ طَاهِرَةٍ أَنْ يُوَفَّقَكُمْ لِصِيَامِهِ، وَ تَلَاوَهُ كِتَابِهِ، فَإِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ حُرِمَ غَفْرَانَ اللهِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْعَظِيمِ، وَ أَذْكَرُوا بِحُرُوعِكُمْ وَ عَطَشَتِكُمْ فِيهِ جُوعَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ عَطَشَهُ، وَ تَصَدَّقُوا عَلَى فَقْرَائِكُمْ وَ مَسَاكِينِكُمْ، وَ قَرُّوا كِبَارَكُمْ، وَ أَرْحَمُوا صِغَارَكُمْ، وَ صَلُّوا أَرْحَامَكُمْ، وَ أَحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ، وَ غَضُّوا عَمَّا لَا يَجِلُّ النَّظْرُ إِلَيْهِ أَبْصَارَكُمْ، وَ عَمَّا لَا يَحِلُّ الْإِسْتِمَاعُ إِلَيْهِ أَسْمَاعَكُمْ، وَ تَحَنَّنُوا عَلَى آيَاتِ النَّاسِ يَتَحَنَّنُ عَلَى آيَاتِكُمْ، وَ تَوَبُّوا إِلَى اللهِ مِنْ ذُنُوبِكُمْ، وَ أَرْفَعُوا إِلَيْهِ أَيْدِيَكُمْ بِالْإِسْتِغَاثَةِ فِي أَوْقَاتِ صَلَوَاتِكُمْ، فَإِنَّهَا أَفْضَلُ السَّاعاتِ، يَنْظُرُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ فِيهَا بِالرَّحْمَةِ إِلَى عِبَادِهِ، يَجِيبُهُمْ إِذَا

بهار بندگی، ص: ۸

ناجوه، وَ يَلِيهِمْ إِذَا نَادَوْهُ، وَ يَسْتَجِيبُ لَهُمْ إِذَا دَعَوْهُ.

أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ أَنْفُسَكُمْ مَرْهُونَةٌ بِأَعْمَالِكُمْ، فَفَكِّهوها بِاسْتِغْفَارِكُمْ، وَ ظُهُورِكُمْ ثَقِيلَةٌ مِنْ أَوْزَارِكُمْ فَخَفِّفُوا عَنْهَا بِطُولِ سُجُودِكُمْ، وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللهَ تَعَالَى ذِكْرُهُ أَقْسَمَ بِعِزَّتِهِ أَنْ لَا يَعْذِبَ الْمُصِيبِينَ وَ السَّاجِدِينَ، وَ أَنْ لَا يَرُوعَهُمْ بِالنَّارِ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ. أَيُّهَا النَّاسُ، مَنْ فَطَرَ مِنْكُمْ صَائِمًا مُؤْمِنًا فِي هَذَا الشَّهْرِ كَانَ لَهُ بِذَلِكَ عِنْدَ اللهِ عِتْقُ رَقَبَةٍ، وَ مَغْفِرَةٌ لِمَا مَضَى مِنْ ذُنُوبِهِ، قِيلَ: يَا رَسُولَ اللهِ، وَ لَيْسَ كُلُّنَا يَقْدِرُ عَلَى ذَلِكَ، فَقَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله: اتَّقُوا النَّارَ وَ لَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ، اتَّقُوا النَّارَ وَ لَوْ بِشَرِبَةٍ مِنْ مَاءٍ، أَيُّهَا النَّاسُ، مَنْ حَسَنَ مِنْكُمْ فِي هَذَا الشَّهْرِ خُلِقَ لَهُ جَوْازًا عَلَى الصَّرَاطِ يَوْمَ تَرُلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ، وَ مَنْ خَفَّفَ فِي هَذَا الشَّهْرِ عَمَّا مَلَكَتْ يَمِينُهُ، خَفَّفَ اللهُ عَلَيْهِ حِسَابَهُ، وَ مَنْ كَفَّ فِيهِ شَرَّهُ كَفَّ اللهُ عَنْهُ غَضَبَهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ، وَ مَنْ أَكْرَمَ فِيهِ يَتِيمًا أَكْرَمَهُ اللهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ، وَ مَنْ وَصَلَ فِيهِ رَحِمَهُ وَصَلَهُ اللهُ بِرَحْمَتِهِ يَوْمَ يَلْقَاهُ، وَ مَنْ قَطَعَ فِيهِ رَحِمَهُ قَطَعَ اللهُ عَنْهُ رَحْمَتَهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ، وَ مَنْ تَطَوَّعَ فِيهِ بِصِيْلَةٍ كَتَبَ اللهُ لَهُ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ، وَ مَنْ أَدَّى فِيهِ فَرَضًا كَانَ لَهُ ثَوَابٌ مِنْ أَدَى سَبْعِينَ فَرِيضَةً فِيمَا سِوَاهُ مِنَ الشُّهُورِ، وَ مَنْ أَكْثَرَ فِيهِ مِنَ الصِّيْلَةِ عَلَى ثَقَلِ اللهُ مِيزَانَهُ يَوْمَ تَخْفُ الْمَوَازِينُ، وَ مَنْ تَلَا فِيهِ آيَةً مِنَ الْقُرْآنِ كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ فِي غَيْرِهِ مِنَ الشُّهُورِ، أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ فِي هَذَا الشَّهْرِ مُفْتَحَةٌ فَاسْئَلُوا رَبَّكُمْ أَنْ لَا يَغْلِقَهَا عَلَيْكُمْ.

بهار بندگی، ص: ۹

وَ إِنَّ أَبْوَابَ النَّارِ مَغْلُقَةٌ فَاسْئَلُوا رَبَّكُمْ أَنْ لَا يَفْتَحَهَا عَلَيْكُمْ، وَ الشَّيَاطِينُ مَغْلُولَةٌ، فَاسْئَلُوا رَبَّكُمْ أَنْ لَا يَسْلُطَهَا عَلَيْكُمْ، قَالَ اميرالمؤمنين عليه السلام: فَقُمْتُ وَ قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللهِ! مَا أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ؟ فَقَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله: يَا أَبَالحَسَنِ، أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ أَلْوَرَعُ عَنْ مُحَارِمِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ. ثُمَّ بَكَى، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللهِ مَا بِيكِك؟ فَقَالَ يَا عَلِيُّ، أَبْكَى لِمَا يَسْتَحِلُّ مِنْكَ فِي هَذَا الشَّهْرِ. كَأَنِّي بِيكَ وَ أَنْتَ تُصَلِّي لِرَبِّكَ وَ قَدْ انْبَعَثَ أَشَقَى الْأَوْلِينَ شَقِيقَ عَاقِرٍ نَاقِهِ ثَمُودَ، فَضَرَبَكَ ضَرْبَةً عَلَى قَرْنِكَ فَخَضَبَ مِنْهَا لِحِيَّتَكَ، قَالَ اميرالمؤمنين عليه السلام: فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللهِ، وَ ذَلِكَ فِي سِيْلَةٍ مِنْ دِينِي؟ فَقَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله: فِي سِلَامَةٍ مِنْ دِينِكَ. ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله: يَا عَلِيُّ، مَنْ قَتَلَكَ فَقَدْ قَتَلَنِي، وَ مَنْ أَبْغَضَكَ فَقَدْ أَبْغَضَنِي، وَ مَنْ سَبَّكَ فَقَدْ سَبَّيَنِي، لِأَنَّكَ مِنِّي كَنَفْسِي، وَ رُوحَكَ مِنْ رُوحِي، وَ طِينَتَكَ مِنْ طِينَتِي، إِنَّ اللهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَلَقَنِي وَ آيَاكَ، وَ إِصْطَفَانِي وَ آيَاكَ، وَ إِخْتَارَنِي لِلنَّبُوَّةِ، وَ إِخْتَارَكَ لِلْإِمَامَةِ، وَ مَنْ أَنْكَرَ إِمَامَتَكَ فَقَدْ أَنْكَرَ ثُبُوتِي [۱]

حضرت امام رضا عليه السلام از پدران بزرگوارش از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که فرمود: پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روزی برای ما خطبه خواند و فرمود:

ای مردم! به درستی که ماه خدا با برکت و رحمت و آمرزش به

بهار بندگی، ص: ۱۰

شما رو کرده است. ماهی که نزد خدا بهترین ماه‌ها، روزهایش بهترین روزها، شب‌هایش بهترین شب‌ها و ساعاتش بهترین ساعات است. ماهی که در آن به ضیافت خدا خوانده و از اهل کرامت خدا قرار داده شده‌اید. نفس‌های شما در آن ثواب تسبیح دارد و خواب شما در آن عبادت و عمل شما در آن مقبول و دعای شما در آن مستجاب است؛ پس با نیت‌های راست و دل‌های پاک، از خدا درخواست کنید که شما را برای روزه و تلاوت قرآن توفیق دهد. به درستی که شقی و بد عاقبت، کسی است که از آموزش خدا در این ماه بزرگ محروم شود و به گرسنگی و تشنگی خود در این ماه، گرسنگی و تشنگی روز قیامت را یاد کنید. و بر فقیران و مسکینان خود صدقه بدهید، سالمندان را احترام نمایید، بر صغار و خردسالان رحم کنید؛ و صلّه ارحام نمایید و زبان‌های خود را [از آن چه نباید گفت و چشم‌های خود را از آن چه نباید به آن نگاه کرد، نگاه دارید؛ و گوش‌های خود را از آن چه نباید شنید حفظ کنید، و با یتیمان مردم مهربانی کنید، تا با یتیمان شما مهربانی شود، و از گناهان خود به سوی خدا توبه و بازگشت نمایید و دست‌های خود را در اوقات نماز به دعا بلند کنید که آن هنگام بهترین ساعت‌ها است. خدا به رحمت به سوی بندگانش نظر می‌فرماید و هر گاه ایشان با او مناجات نمایند، جواب می‌فرماید و هر گاه او را ندا کنند، لبیک می‌گوید و هر گاه او را بخوانند، مستجاب میکند.

ای مردم! به درستی که جان‌های شما در گرو عمل‌های شما است؛ پس با استغفار، از گرو بیرون آورید، و پشت‌های شما از گناهانتان سنگین است. پس به طول دادن سجود، آن را سبک سازید. و بدانید که خدا به عزّت خود سوگند یاد کرده است که نمازگذاران و سجده‌کنندگان را عذاب نکند و آن‌ها را به آتش جهنّم در روز قیامت نترساند.

بهار بندگی، ص: ۱۱

ای مردم! هر کس از شما مؤمن روزه‌داری را در این ماه افطار دهد، برای او نزد خدا ثواب یک بنده آزاد کردن و آموزش گناهان گذشته خواهد بود. پس گفته شد: یا رسول‌الله! همه ما قدرت بر آن نداریم؛ فرمود: با افطار دادن به روزه‌دار اگر چه به نصف دانه خرما باشد- از آتش پرهیزید. اگر چه به شربتی آب باشد.

ای مردم! هر کس از شما خلق خود را در این ماه نیکو سازد، گذشتن از صراط در روزی که قدم‌ها بر آن بلغزد، برای او است. ای مردم! کسی که در این ماه خدمت غلام و کنیز خود را سبک گرداند، خدا در قیامت حساب او را آسان سازد. و هر کس در این ماه شرّ خود را باز دارد، خدا خشم خود را از او در روز قیامت باز دارد. و کسی که یتیمی را در این ماه گرامی بدارد، خدا او را در روز قیامت گرامی دارد. و کسی که در این ماه با خویشاوند خود صلّه نماید، خدا او را در قیامت به رحمت خود وصل کند. و کسی که در این ماه قطع رحم کند، خدا در روز قیامت رحمت خود را از او قطع فرماید. و هر کس در این ماه نماز مستحّبّی به جای آورد، برای او برائت از آتش نوشته می‌شود. و کسی که نماز واجب به جای آورد، مثل کسی است که در ماه‌های دیگر هفتاد نماز واجب به جا آورد. و کسی که در این ماه بسیار بر من صلوات بفرستد، خدا در روزی که میزان‌ها سبک باشد، میزان او را سنگین سازد. و هر کس در این ماه تلاوت آیه‌ای از قرآن کند، ثواب ختم قرآن در ماه‌های دیگر را دارد.

ای مردم! درهای بهشت در این ماه گشوده است؛ از خدا بخواهید که [این درها را] به روی شما نبندد و درهای آتش، بسته است؛ از پروردگار خود بخواهید که آن‌ها را به روی شما باز نگرداند. و شیاطین دربند هستند؛ از خدا درخواست کنید که آن‌ها را بر شما مسلّط نسازد.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: پس من برخاستم و عرض کردم:

بهار بندگی، ص: ۱۲

یا رسول‌الله! بهترین اعمال در این ماه چیست؟ فرمود: یا اباالحسن! فاضل‌ترین اعمال در این ماه پارسایی است از آن چه خدا حرام کرده است.

سپس رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ گریست. عرض کردم: یا رسول الله! چه چیز شما را به گریه درآورد؟ فرمود: گریه می‌کنم برای آن چه در این ماه به تو می‌رسد. گویا تو را می‌بینم که برای پروردگارت نماز می‌گزاری. و برخواسته است شقی‌ترین اولین و آخرین جفت پی‌کننده ناقه ثمود و بر فرقت ضربتی زده است که با آن ریش تو خضاب شده است. پس، من عرض کردم: این در سلامت دین من است. فرمود: در سلامت دین تو است! سپس فرمود: یا علی! هر کس تو را بکشد، مرا کشته و هر کس تو را دشمن بدارد، مرا دشمن داشته؛ برای این که تو از من، مثل جان منی و طینت تو از طینت من است و تو وصی من و خلیفه من بر امت هستی!

بهار بندگی، ص: ۱۳

پیام معظم له به مناسبت حلول ماه مبارک رمضان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال الله تعالى «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»

مسلمانان، امت اسلام، ماه مبارک رمضان عید اولیاء الله و میعاد اصفیاء الله و بهار قرائت قرآن کریم و موسم حضور در مساجد و ضیافت و میهمانی خدا و بازگشایی یکی از بزرگترین مدرسه‌های عام آموزشی و تربیتی اسلامی را که شامل همگان از پیر و جوان و مرد و زن و عوام و خواص و دانشجو و استاد و کارگر و کارفرما و لشکری و کشوری و شهری و روستایی است، به همه تبریک و تهنیت عرض می‌نمایم.

مدرسه‌ای که کلاس‌های بزرگ آن مساجد و نماز جماعت‌ها و مجالس موعظه و تبلیغ معارف و احکام و هدایت همگان است و همه در هر درجه از علم و معرفت باشند، در آن شرف شرکت می‌یابند و در رأس همه قطب عالم امکان و عدل یگانه قرآن، حضرت صاحب الزمان مولانا المهدی ارواح العالمین له الفدا در آن حضور دارند و بیشتر از هر کس از رحمت‌ها و عنایات الهی که در این ماه نازل و متواتر است بهره‌مند می‌باشند.

مدرسه‌ای که کلاس‌های کوچک آن خانه‌های شخصی و اطاق‌های فردی است، کتاب‌های درسی آن قرآن مجید و نهج البلاغه و احادیث شریفه و صحیفه کامله و دعای افتتاح و دعای جامع و معرفت بخش و سازنده ابو حمزه است.

بهار بندگی، ص: ۱۴

راستی این ماه بزرگ چه ماه جامعی است، ما مسلمانان باید خدا را از این برنامه‌ها و فرصت‌های خوب و سازنده‌ای که به امت اسلام موهبت شده است سپاسگزار باشیم.

باید قدر این هدایت‌ها را بشناسیم و در حقایق آن تفکر و اندیشه داشته باشیم، در معانی دعاها تأمل کنیم، پیام‌هایی را که روزه و این دعاها به جامعه ما، به مسئولین امور، به افراد و اشخاص، به مقامات و به لشکری و کشوری و به توانگران و به فقرا و به علماء و دانشمندان و نویسندگان و همه اقشار دارند به گوش جان بشنویم.

عزیزان، برادران و خواهران، خدا می‌داند اکنون که این سطور را برای آن که تقدیم خدمت شما بنمایم می‌نویسم، جمال ماه رمضان را چنان زیبا و عالم آرا می‌بینم و از آن بقدری احساس لذت و ایمان می‌نمایم که خود را از توصیف آن عاجز می‌یابم من باید بگویم اگر امثال این بنده حقیر ناچیز این ماه شریف را به این جمال می‌بینیم، اهل الله و کسانی که بیشتر و بیشتر به معانی این ماه و آداب و برنامه‌های آن آگاهی دارند آن را در چه جمالی می‌بینند.

حضرت رسول اکرم صلوات الله علیه و آله، و ائمه طاهرین علیهم السلام این ماه عزیز را در چه جمالی دیده و می بینند که در عین حال بخشی و جلوه‌ای از جمال اسلام است.

برادران و خواهران به این دین و به این افتخارات، به اسلام، به قرآن به هویت اسلامی، به عزت اسلامی خود، به ماه رمضان، به ولایت اهل بیت علیهم السلام، ببالید. در این ماه مبارک با اسلام، با قرآن با احکام خدا تجدید عهد نمایید؛ «العزّة لله و لرسوله و للمؤمنین» عزت اسلامی، دین خدا و اخلاق و سنت‌های اسلامی را عزیز و گرامی بدانید. در مساجد و مراسم این ماه شرکت نمایید و شکوه التزام خود را به دین و شعائر اسلام نشان بدهید؛ در هر کجا و در هر شهر و روستا هر مسجدی را اهلش خالی بگذارند، آن مسجد به خدا از اهلش

بهار بندگی، ص: ۱۵

شکایت می نماید.

فاضل ترین اعمال در این ماه و در همه ماه‌ها ترک گناه، ترک حرام، ترک معصیت است، مواظب و مراقب خود باشید، دشمنان اسلام برای ضربه زدن به حیثیت اسلامی ما کمین گرفته و دائماً در توطئه هستند؛ به اسم آزادی، به اسم حقوق بشر، به اسم تساوی زن و مرد و به اسم‌های دیگر می خواهند ما را از اسلام جدا کنند و به شخصیت اسلامی ما ضربه بزنند، با ایادی خود، با قلم‌های مسموم، با تبلیغات، با اختلاط زن و مرد، با زیر سؤال بردن احکام خدا معروف را منکر و منکر را معروف جلوه می دهند، به هوش باشید، در جای خود بایستید، سنت‌های اسلامی را محکم نگاه دارید، دشمن موسیقی را به اسم هنر، بی بند و باری و بی اعتنایی به احکام و آداب را به اسم آزادی ترویج می نماید.

دیگران اگر در تکنیک و صنعت و زور و استیلا و استکبار قدرت یافته‌اند و با این زور و قلدری می خواهند فرهنگ منحط و فاسد خود را بر دنیا حاکم کنند، در اخلاق، در انسانیت در حیا و شرافت و وجدان و کرامت بشری بسیار پست و پوچ و بی محتوا و مصداق

«يَغْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ» و «... أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ...»،

می باشند، ارزش هایشان ضد ارزش و هنرهایشان عیب است، در برابر چشم میلیاردها انسان مظلومی که در تاریخ بشریت بی سابقه است، مرتکب می شوند و از کسی حیا نمی کنند و خود را متمدن می شمارند.

در چنین دنیایی مؤمنان به اسلام و احکام اسلام بیندیشند و در حفظ مواقف و مواضع اسلامی سستی نکنند. این وعده خداست باید هشیار باشند، هم بر خود واجب بدانند که در برابر این زور گویی‌ها آماده دفاع باشند و به هر سلاح لازم مسلح باشند و هم خطر هجوم‌های به اصطلاح فرهنگی آنها را به اسلام و به اخلاق و آداب و سنن اسلامی کم نگیرند و استقلال اسلامی خود را در برابر دشمنان حتی در ظاهر لباس و عادات متعارف حفظ نمایند و فقط به اسلام و

بهار بندگی، ص: ۱۶

احکام اسلام بیندیشند و در حفظ مواقف و مواضع اسلامی سستی نکنند، این وعده خداست: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» [۲]

بهار بندگی، ص: ۱۷

روز شمار تاریخی ماه مبارک رمضان [۳]

بیعت با ولایتعهدی امام رضا علیه السلام

از حوادث و اتفاقات تاریخی که در ماه مبارک رمضان به وقوع پیوست، بیعت با ولایتعهدی حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام بود که بنا به نقل «شیخ مفید» و دیگران، در روز اول ماه رمضان سال ۲۰۱ هجری صورت گرفت. واقعه واگذاری ولایتعهدی به حضرت رضا علیه السلام از جانب مأمون یک نقشه سیاسی بود. به این ترتیب که مأمون برای فرونشاندن آتش انقلابات داخلی و تظاهر به حسن نیت و ارادت خود به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله این عمل را انجام داد.

وفات جناب ابوطالب علیه السلام

یکی دیگر از اتفاقات تاریخی ماه مبارک رمضان، وفات حضرت ابوطالب است. بنا به قول شیخ مفید قدس سره در هفتم ماه رمضان سال دهم بعثت، سه سال قبل از هجرت، ابوطالب یگانه حامی و کفیل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وفات نمود. همان بزرگمرد ارجمندی که از اجتماع قریش و نقشه‌ها و تهدیدات و قطع روابط و آزار و اذیت ایشان بیم نداشت و تا زنده بود، با خلوص نیت، از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حمایت کرد و به او گفت:

بهار بندگی، ص: ۱۸

أَذْهَبَ يَا بَنَ أَخِي فَقُلْ مَا أَحْبَبْتَ فَوَ اللَّهُ لَا أَسْلَمُكَ لِشَيْءٍ أَبَدًا

ای پسر برادر! برو و هر چه دوست داری بگو؛ به خدا سوگند تو را در هیچ پیش آمدی تنها نمی گذارم. از حضرت باقر علیه السلام روایت شده است:

اگر ایمان ابیطالب را در یک کفه ترازو و ایمان این خلق را در کفه دیگر گذارند، ایمان او سنگین تر خواهد بود. مقام آن حضرت چنان رفیع بود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مصیبتش گریان شد و بسیار اندوهناک گردید.

وفات حضرت خدیجه علیها السلام

در سال دهم بعثت، سه سال قبل از هجرت، در ماه مبارک رمضان، ام المؤمنین خدیجه، بانوی مؤمنه و فداکار پس از سپری شدن شصت و پنج سال از عمر پر برکتش، در گذشت و بنا به قول «مفید»، این واقعه دردناک، در روز دهم ماه رمضان اتفاق افتاد، و رسول خدا او را به دست خویش، در حجون مکه مکرمه دفن کرد، و حزن و اندوه آن حضرت، در مصیبت او به حدی زیاد شد که آن سال را «عام الحزن» نام نهاد.

خاندان خدیجه، از جانب پدر و مادر و اجداد پدری و مادری از اصیل ترین خانواده‌های «جزیره العرب» و صاحب شرافت و سیادت بودند.

خدا خواست که این بانوی بی همتای حرم نبوت و مادر یازده اختر برج امامت و ولایت، در عقل و ادب و حکمت و بصیرت و معرفت، نابغه و ممتاز باشد. او نمونه برجسته کمال و نبوغ و فهم و بینش بود که همانند آن را در میان مردان و زنان، کمتر می توان یافت و عفت، نجابت، طهارت، سخاوت، حسن معاشرت و صمیمیت و مهر وفا از جمله صفات برجسته او بود.

بهار بندگی، ص: ۱۹

اجرای عقد اخوت

بنا به نقل «مفید» در روز دوازدهم ماه رمضان، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بین اصحاب، عقد اخوت قرارداد و بین خود و علی علیهما السلام نیز پیوند برادری برقرار کرد.

موضوعی که در این صحنه مودت ساز و محبت آفرین، جالب و با اهمیّت بود، انتخاب حضرت علی علیه السلام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به برادری خود بود.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همه را با هم برادر کرد و به گفته بسیاری از مورخان و محدثان، افرادی را که هم طراز و هم رتبه بودند، برادر قرار داد.

بر این اساس، برای خود نیز باید برادری انتخاب می کرد. به راستی آن کس که لایق و شایسته این مکرمت باشد، کیست؟ و آن کس که بتواند، قرین و هم طراز پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باشد (جز در مقام نبوت) چه شخصیتی است؟

این انتخاب، یک انتخاب ساده نبود. یقیناً پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کسی را برای خود انتخاب می کرد که از هر جهت شایسته باشد. برادری که همفکر و هماهنگ و همزبان با او باشد؛ و نسبت به جان و مال و هر چه دارد فداکار باشد و بتواند حق برادری

رسول خدا را ادا کند. آری، به غیر از علی، کسی لایق چنین مقامی نبود که پیامبر در حقیقت فرمود:

: «أَنْتَ مَعِيَ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي»

ولادت امام حسن مجتبی علیه السلام

بنا به اختیار «مفید» قدس سره در «مسار الشیعه» و «شیخ بهایی» رحمه الله در «توضیح المقاصد» سبط اکبر، حضرت امام حسن علیه السلام در پانزدهم ماه رمضان سال سوم هجرت متولد شد.

بهار بندگی، ص: ۲۰

پس از آن رسول خدا صلی الله علیه و آله در گوش راستش اذان، و در گوش چپش اقامه را قرائت فرمود و بدین گونه نخستین صدایی که گوش نوزاد با آن آشنا شد، صدای آشنای جدش، خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله بود؛ صدایی که ندا دهنده توحید، تکبیر، تهلیل و نبوت بود.

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود: آیا این نوزاد مبارک را نام گذارده‌ای؟

حضرت علی علیه السلام فرمود: من بر شما سبقت نمی گیرم!

هنوز لحظاتی نگذشته بود که بشیر وحی جبرئیل نازل شد و فرمان خدا را به پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم رساند: «سمّه حسناً»: او را حسن نام گذار.

ولادت حضرت جواد علیه السلام

بنا به قول «شیخ مفید» رضوان الله علیه در «مسار الشیعه» ولادت با سعادت حضرت امام محمد تقی علیه السلام در پانزدهم ماه مبارک رمضان سال ۱۹۵ هجری اتفاق افتاد.

در اخلاق کریمه و صفات پسندیده و علم و معرفت و دانش و زهد و تقوا، وارث اجداد بزرگوار و در عظمت و جلالیت زبانزد خاص و عام بود و شخصیت های بزرگ علمی و دینی در برابر او خاضع و فروتن بودند.

غزوه بدر

در هفدهم یا نوزدهم ماه مبارک رمضان سال دوم هجرت، غزوه بدر اتفاق افتاد.

این غزوه، نخستین مقابله سپاه اسلام با کفر و نبرد اهل توحید با اهل شرک بود. مشرکان در این جنگ، از جنبه ساز و برگ و اسلحه و مهمات بر مسلمانان برتری داشتند و نفرات و افراد آنها تقریباً، سه برابر سپاه اسلام بود. پیروزی سپاه

بهار بندگی، ص: ۲۱

اسلام در این جنگ، برای آینده اسلام، از ارزش و اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. و در تعیین مسیر تاریخ اسلام، به حسب ظاهر تأثیر فراوان داشت.

قهرمان و یگانه مجاهد و فداکار این غزوه و غزوات دیگر، امیرالمؤمنین علیه‌السلام بود. با این که هنوز سن آن حضرت به بیست نرسیده و پیش از این غزوه در جنگ و نبرد دیگری شرکت نکرده بود، مردانگی‌ها و شجاعت‌هایی که از او ظاهر شد، از افراد با سابقه و رزمندگان و مردان سالخورده ظاهر نگشت.

فتح مکه

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا

ما تو را پیروزی بخشیدیم [چه پیروزی درخشانی!]

یکی از بزرگترین فتوحات اسلام و دین توحید، «فتح مکه» بود که بر حسب کتب معتبره، در بیستم ماه مبارک رمضان سال هشتم هجرت اتفاق افتاد.

تا هشتم هجرت فتوحات و پیروزی‌های فراوانی نصیب اسلام شده بود؛ اما شهر مکه، همچنان در تصرف بت پرستان و مشرکان باقی مانده، و بت پرستی، فساد و انحطاط اخلاقی، استثمار و استعباد انسان‌ها در آنجا رایج بود.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به امر خدا با ده هزار نفر از مسلمانان آهنگ شهر مکه فرمود.

ابوسفیان و گروه او از مخالفت و مقاومت نا امید شده و مکه بدون هیچ مقاومت قابل توجهی آزاد شد، و به دین خدا و آیین جدید و قوانین آزادیبخش اسلام گروید.

شهادت مولای متقیان، امیر مؤمنان علیه السلام

یکی از حوادث بزرگ ماه رمضان که سیر تاریخ اسلام را تغییر داد، شهادت مولای متقیان، امیر مؤمنان، علی علیه السلام بود.

بهار بندگی، ص: ۲۲

علی علیه السلام همان کسی است که پیامبر صلی الله علیه و آله او را از کودکی با آواز دلنواز و ملکوتی خود می‌خوابانید و نوازش می‌کرد و پرورش می‌داد؛ همان کسی که در غار حرا هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله به پرستش و عبادت خدا و تفکر مشغول بود، او را همراهی می‌کرد. علی علیه السلام همان کسی است که پیامبر صلی الله علیه و آله تمام علوم خویش را به او آموخت تا نسخه‌ای از اصل باشد.

او که موحد به دنیا آمد، موحد از این جهان گذشت، و به پرستش بت‌ها آلوده نگردید. هرگز در اسلام کسی به سابقه او نمی‌رسد و هیچگاه از پیامبر و دین و روش او جدا نشد و حتی هفت سال بیش از دیگران با پیامبر صلی الله علیه و آله نماز خواند.

بهار بندگی، ص: ۲۳

«جوانان می‌پرسند» [۴]

قرآن

اعجاز قرآن

س. چرا می‌گوییم قرآن معجزه است؟

ج. قرآن مجید از جهات عدیده مانند علو محتوی و فصاحت و بلاغت و سائر خصوصیات به مرتبه‌ای است که اگر تمام انس و جن جمع شوند نمی‌توانند یک سوره یا یک آیه مانند آن بیاورند.

قرآن کریم جن و انس را در این امر تحدی نموده است «قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً» [۵] و بعد از قرن‌ها که از نزول قرآن مجید گذشته است کسی مانند آن را نیاورده با آنکه افراد زیادی در مقام مبارزه با قرآن بوده‌اند.

تحریف قرآن

س. با مطالعه برخی از کتب اهل سنت شبهاتی برای ما ایجاد گردیده است از جمله تحریف قرآن به عقیده برخی علمای معروف شیعه و سایر مواردی که در کتب فوق و دیگر کتب موجود است، ما را در رفع این شبهات یاری فرماید.

ج. در قرآن کریم هیچگونه تحریفی واقع نشده و در این رابطه رساله‌ای بنام «القرآن مصون من التحریف» و بحثی در کتاب «مع الخطیب» با عنوان «صیانة

بهار بندگی، ص: ۲۴

الکتاب من التحریف» دارم، مراجعه نمائید.

رسم الخط یا رسم الاملا

س. قرآن‌هایی که در حال حاضر در جهان اسلام مورد استفاده قرار می‌گیرد بصورت عمده از دو شیوه نگارشی «رسم المصحف» (مانند قرآن‌های به خط عثمان طه) و «رسم الإملاء» (مانند عمده قرآن‌های ایرانی) تبعیت می‌کنند. «روش نگارش رسم المصحف» در قرآن کریم از حدود یکصد سال پیش در حالی در کشور مصر احیاء شد که از بدو اختراع خط نسخ (حدود قرن چهارم هجری) تا آن تاریخ، غالب قرآن‌های مورد استفاده در کشورهای عربی نیز با «شیوه رسم الإملاء» کتابت شده و حتی غالب نمونه قرآن‌هایی که در سایت «مرکز طبع قرآن ملک فهد عربستان» به نمایش گذاشته شده به «شیوه رسم الإملاء» است. با توجه به تفاوت‌هایی که در نگارش کلمات در این دو شیوه وجود دارد و با عنایت به اصرار برخی از کشورهای اسلامی بویژه عربستان سعودی بر معرفی و ترویج «شیوه رسم المصحف» به عنوان میراث مأثور و امر توقیفی که مورد تأیید شخص حضرت رسول صلی الله علیه و آله است و به حاشیه راندن شیوه «رسم الإملاء» با وجود قدمت هزار ساله، استفاده فراگیر مسلمین و سهولت قرائت آن، مستدعی است نظر مبارکتان را درباره امور ذیل بیان فرمایید:

۱. آیا رسم الخط قرآن امری توقیفی است؟ ۲. آیا کتابت قرآن به شیوه رسم الإملاء جایز است؟ ۳. آیا استفاده از شیوه رسم المصحف در نگارش آیات رجحان شرعی بر رسم الإملاء دارد؟

ج. رسم الخط توقیفی نیست بلکه رسم الخط برای حفظ کلمات قرآن است که باقی بماند و به آیندگان برسد. و رسم الاملاء مقدم بر رسم المصحف است زیرا رسم المصحف در بسیاری از موارد و بسیاری از کسانی که قرآن می‌خوانند سبب اشتباه و غلط خواندن می‌شود در حالی که بر طبق رسم الاملاء به سهولت و صحیح خوانده می‌شود مثلاً بر طبق رسم المصحف در آیه شریفه ۳۵ سوره مبارکه بقره چنین نوشته شده «و بر شیوه رسم الاملاء (یا آدم) یا در

بهار بندگی، ص: ۲۵

آیات دیگر کلمه طوری نوشته شده که قرائت آن سبب اشتباه می‌شود.

قرآن یا ترجمه آن

س. ترجمه قرآن کریم مهم تر است یا قرائت قرآن کریم؟

ج. خواندن ترجمه صحیح قرآن کریم نیز بسیار خوب است و فضیلت و ثواب دارد و تا حدودی شخص را با قرآن مجید آشنا و مربوط می‌سازد اما ثوابهای خاص و مهمی که برای قرائت قرآن است به خواندن خود قرآن به همان الفاظ عربی اختصاص دارد. ترجمه هرچه هم دقیق و رسا باشد بالأخره کلام بنده و مخلوق است و قرآن کلام خدا و خالق و هرگز ترجمه قرآن را نمی‌توان مثل ترجمه کتاب‌های دیگر در کنار هم و مانند هم دانست. باید ترجمه قرآن را پله اول صعود به معارف الهی و حقائق غیر متناهی دانست و صعود را تا هر کجا ممکن است ادامه داد و بدیهی است که تفسیر از سطح عمیق تر و غنای بیشتری برخوردار است و مفسر باید علاوه بر تسلط به لغت عرب، آگاه به روایات وارده از معصومین علیهم السلام درباره آیات قرآنی نیز باشد.

ضمیر متکلم مع الغیر در قرآن

س. منظور خداوند از آوردن کلمه «ما» که در بعضی از آیات اشاره شده، چه کسانی هستند؟

ج. یک نکته آن به اقتضای اشاره به عظمت متکلم در مقام بیان بعضی مطالب است که به ضمیر جمع مناسب با بلاغت و تکلم به مقتضای حال است، تا مخاطب، با توجه به عظمت متکلم، مطلب را - چنانکه باید و شاید و به طور جدی - دریافت نماید و اهمیّت آن را درک کند؛ مثل: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»، که به این تعبیر مشحون از اعجاز و متضمن پنج ضمیر جمع، محفوظ بودن درون قرآن مجید را به حفظ الهی، به طور بسیار اکید و بلیغ بیان

بهار بندگی، ص: ۲۶

فرموده است؛ که با تعبیری مثل: «انی نزلت الذکر و انی له لحافظ» بیان نمی‌شود.

نکته دیگر این است که گاهی بعضی کارهای الهی به واسطه ملائکه - که جنود و عدد آنها را هم غیر از او کسی نمی‌داند: «وما یعلم جنود ربّیک إلاّ هو» - انجام می‌گیرد و ملائکه مدبّرات یا مقسّمات و دیگران که مأموریت‌هایی دارند، به عنوان واسطه عمل می‌کنند. برای این که اشاره به این باشد که این عمل بدون واسطه انجام نشده، به لفظ جمع متکلم مع الغیر بیان می‌شود؛ مثل اینکه بلا تشبیه مدیر یک کارخانه و مؤسسه - که همه امور و جریان آن کارخانه به واسطه یا بی‌واسطه، کار اوست - می‌گوید: این کار را کردیم، و گاه ضمیر متکلم وحده بیان می‌شود که عنایت خاص به چیزی و به خلق بلاواسطه چیزی معلوم شود و احتمال مداخله غیر و وسایط دفع شود؛ مثل: «یا موسی اننی انا الله» که در مثل این مورد، استعمال ضمیر متکلم مع الغیر منافی با مقصود است.

امیر المؤمنین علیه السلام

علم امیر المؤمنین علیه السلام به شهادت خود

س. از خطیبی شنیده‌ام که حضرت علی علیه السلام از شهادت خود در روز بیست و یکم رمضان به وسیله ابن ملجم علیه اللعنه آگاهی داشته است. چرا علاج واقعه قبل از وقوع نکردند با وجود آنکه قرآن فرموده: «لا تلقوا بأیدیکم إلى التهلکة»؟

ج. این ایراد که با این علم چگونه امیر المؤمنین اقدام به هلاکت خود فرموده و با اراده و اختیار به مسجد تشریف بردند؛ یا بعضی دیگر از ائمه علیهم السلام دانسته و با عدم اجبار به تناول، سم و زهر را میل فرمودند، فقط در این مورد جاری نیست و نظیر آن در

موارد دیگر نیز قابل طرح است. جواب این است که

اولاً، این عالم و نظام آن بر این اساس است که حوادث و امور مادی، جز در

بهار بندگی، ص: ۲۷

مواردی که اعجاز و مصالحی اقتضا کند، بر مجرای علوم عادی و مادی نوع بشر جریان می‌یابد. مثلاً با زحمت و کوشش، داروهای انواع بیماری‌ها را کشف و بر قوای طبیعی مسلط می‌شوند، یا با قدرت و نیروی بدنی و اسلحه و استقامت و شجاعت جهاد می‌نمایند، و دشمن را مغلوب می‌سازند. ثانیاً، انبیا و ائمه علیهم‌السلام در روش زندگی و سلوک، معاشرت و معاملات و مجالست با اصحاب و مؤمنین و اغیار و اختیار و فجار، به طور عادی و متعارف رفتار می‌فرمودند، و به علم و قدرتی که به آنها اعطا شده، جز در موارد استثنایی، عمل نمی‌کردند؛ و از راه علم امامت از خود دفع خطر و فقر و امراض و ابتلائات را نمی‌فرمودند؛ چون غیر این روش، نقض غرض و منافی با حکمت و هدف بعثت انبیا و نصب ائمه هدی علیهم‌السلام است. ثالثاً، تکالیف آن بزرگواران هم مثل دیگران اغلب در حدود علوم عادی و متعارف بوده است، و مأمور به ترتیب اثر به علوم خاصی که دارند، نبوده‌اند. در مثل نهی «و لا تلحقوا بآیدیکم إلی التهلكة»، مثل دیگران مأمور بوده‌اند که به علم عادی رفتار نمایند. تهلکه منهی عنه در آیه، همان تهلکه‌ای است که به علم عادی و علمی که برای غیر امام حاصل می‌شود، معلوم می‌گردد. آنان در انجام تکالیف، شرایط عامه را ملاحظه می‌فرمودند، مثلاً اگر اطلاع از آب به نحو غیرعادی داشتند، تکلیفشان مثل دیگران تیمم بوده؛ چنان که در قضا و حکومت و تدبیر امور نیز به همین نحو عمل می‌کردند و به بینه و یمین حکم می‌دادند. رابعاً، شهادت از بهترین وسایل فوز و رستگاری و تقرب به خداوند متعال است و با علم، به استقبال آن رفتن ممدوح و پسندیده است. خامساً، اتمام حجت و انجام امتحاناتی که خدا از بندگان خود می‌نماید، به غیر این نحو که آن بزرگواران به ظواهر عمل کنند، امکان پذیر نیست.

بهار بندگی، ص: ۲۸

عدم تصریح بنام امیرالمؤمنین علیه السلام در قرآن

س. چرا نام علی علیه السلام در قرآن نیامده است؟

ج. در مثل است «الکنایه ابلغ من التصریح» گاهی به کنایه مقصود را بیان کردن رساتر از تصریح است. در قرآن مجید آیات متعدد است که به کنایه به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام دلالت دارد یا از این جهت که فقط آن حضرت منحصرأ مدلول آن می‌باشد با اینکه مصداق اظهر و اکمل آن امیرالمؤمنین علیه السلام است که برای اشخاص آشنا و مخاطب امیرالمؤمنین علیه السلام متبادر می‌شود و این نکته مهمی است که این آیات به غیر این قابل تفسیر نیست مع ذلک هم این دو آیه «وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَمَدِينًا لَعَلِّي حَكِيمٌ» (الزخرف / ۴) و «... وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا» (مریم / ۵۰) محتمل الانطباق بر آن حضرت است.

دعا و مناجات

عربی بودن زبان ادعیه

س. چرا ما باید راز و نیازهای خود را به زبان عربی و دعاهای تکراری که صحبت‌های شخصی با خداوند است مانند دعای کمیل که صحبت امام علی با خداوند است انجام دهیم؟ راز و نیاز کردن به این طریق، زیبا که نیست حتی برای خیلی‌ها خسته کننده است و اصلاً حال خوبی به انسان دست نمی‌دهد مگر خداوند عرب زبان است یا اینکه ما انسان‌ها و خداوند مانند کامپیوتر یا ماشینی شبیه می‌مانیم که یکسری کارها را روزانه علیرغم میلمان تکرار کنیم؟

ج. در الفاظ عربی نکات ادبی و مضمونی وجود دارد که به فارسی ادا نمی‌شود اگر هم ادا شود همه نمی‌توانند علاوه بر اینکه این الفاظ آنچه که قرآن است وحی الهی است و نکات و جهاتی که در آن منظور است در چنان حد کمالی است که بشر نمی‌تواند کما هو حقّه آن را به لغت دیگر و بلکه به لغت بهار بندگی، ص: ۲۹

عربی و لفظ دیگر ادا کند. اذکار هم همه مأثور و از اهل بیت وحی علیهم السلام رسیده است. مضافاً بر این که تعهد بر خصوص این الفاظ موجب اتحاد شکل و حفظ اساس می‌شود و ترجمه آن به زبان‌های مختلف به مرور زمان خصوص که هر کس خودش ترجمه را بگوید موجب اختلاف در اصل مضمون می‌شود و معایب زیاد دارد و خلاصه برای حفظ این جهت و رفع این معایب باید قرائت و اذکار واجب به عربی باشد و ظاهراً در این گونه دعاها با توجه به معرفت و کمال آن بزرگواران و نیز احاطه‌ای که بر نفوس انسان‌ها و تمایلات و هواها و جهالت‌ها و ضلالت‌ها و بی‌خبری‌ها و غفلت‌های آنها دارند و عاقبت امور را هم می‌دانند از لسان آنها در صورت توجهشان به موقعیت خود سخن می‌گویند و گویا به زبان حال می‌فرمایند: ای انسان تو در چنین وضعی قرار گرفته‌ای و باید حالت چنین باشد و مشاهده می‌کنیم گاهی کسی در خطر عظیمی قرار گرفته و چون بی‌خبر و غافل است بی‌تفاوت عمل می‌کند و در این حال شخص عاقل و دلسوزی که خطر را احساس می‌کند به حال او گریه می‌کند و در روایات هم مؤیداتی بر این امر وجود دارد که مجال ذکرش نیست. در هر صورت دعا به هر زبانی که باشد مطلوب است و ثواب دارد.

سن بلوغ

سن تکلیف دختران

س. با استفاده به کدام منبع فقهی و چه ادله‌ی سنّ تکلیف دختران را ۹ سال می‌دانید؟
ج. خداوند متعال که خالق پسر و دختر است و قدرت و آمادگی و اسرار وجودی آنها را می‌داند تفاوت گذاشته سپس پیغمبر اکرم و ائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین آن را به ما خبر دادند و جهت آن را خودشان می‌دانند و آنچه برای ما روشن است و هیچ تردیدی در آن نداریم اصل حکم است و همین اندازه
بهار بندگی، ص: ۳۰

برای وجوب اطاعت و معذور نبودن در مخالفت کافی است و اصل حکم از منابع فقهی مانند روایات بدست آمده است.

روزه

وجوب روزه

س. چرا روزه واجب است؟
ج. چنان چه می‌دانیم روزه دارای فواید، حکمت‌ها، مصالح روانی و اخلاقی، جسمی، اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی، درمانی و حتی سیاسی است. برخی از حکمت‌های اجتماعی روزه عبارتند از:

۱. یکی از فواید اجتماعی روزه این است که روزه، اراده اجتماع را قوی و همت جامعه را بلند و بر هواها و امیال و شهوات، حاکم و مسلط می‌سازد. کسی که توانست مدت چهارده ساعت کمتر یا بیشتر در شدت گرما، طعام و غذا را ترک و زحمت و رنج تشنگی را تحمّل کند، و از لذایذ جنسی خودداری نماید، می‌تواند برای خاطر مصالح بزرگ اجتماعی و برای حفظ شرف و آبروی خود و جامعه نیز شکیبایی ورزد، و زحمات و دشواری‌ها و ناراحتی‌ها را برای نیل به مقاصد عالی اجتماعی متحمّل گردد.

۲. یکی دیگر از فواید اجتماعی روزه، تذکر و یاد کردن حال فقرا و طبقه محروم و توجه به شرافت نفس و علو طبع بی‌نویان صابر و شکیبا است. اگر روزه‌دار متمکن و توانگر فقط در ماه رمضان به صبر و شکیبایی می‌پردازد و از خوردن غذاهای لذیذ و اعمال غریزه جنسی خودداری می‌کند، فقیر و محروم صابر و با ایمان، علاوه بر اجرای برنامه ماه رمضان در دوره سال، بر محرومیت‌هایی که دارد صبر می‌کند و از حدود شرع تجاوز نمی‌نماید و زبان به شکایت از خدا نمی‌گشاید و به مال کسی چشم ندوخته و به اغنیا و ثروتمندان حسد نمی‌ورزد.

بهار بندگی، ص: ۳۱

۳. از دیگر فواید روزه آن است که روزه‌دار، حقیقت آزادی و حریت را درک می‌کند و روزه او را از عبادت، شهوات، عادات و پرستش هوای نفس آزاد می‌سازد و روح او را ارتقا داده و فکرش را روشن می‌نماید و در پیکر اجتماع، روح آزادی می‌دمد و همه را به خضوع در پیشگاه آفریدگار - که جز او کسی سزاوار پرستش نبوده و هر مخلوقی از قید رقیبیت و عبودیت او بیرون نیست - رهبری می‌نماید و از بشرپرستی و کرنش و تعظیم در برابر صاحبان قدرت‌های مادی و ستمگران باز می‌دارد.

۴. روزه، تمرین اخلاص و پاکی نیت و تنزه از ریا، و اجتناب از شهرت‌طلبی و مدح و ثنای خلق است. این عیوب و آفات در امور نیک دیگر بیشتر وارد می‌شود؛ ولی روزه‌دار برای ریاکاری ناچار به حفظ رژیم روزه و امساک از مفطرات نیست؛ زیرا ممکن است در خلوت از مفطرات امساک ننماید و خود را روزه‌دار معرفی کند.

پس اگر شخصی در تمام مدت روز و در خلوت و جلوت، پنهان و آشکار روزه‌دار بود، علامت پاکی نیت و صدق باطل و اخلاص او است و فایده آن، تمرین و تربیت نفس بر خلوص نیت و طهارت مقصد و پرهیز از حب شهرت و عوام‌فریبی و حب جاه و کسب اعتبار در بین مردم است.

۵. یکی دیگر از فواید اجتماعی روزه حصول ملکه حسن خلق و عفو و گذشت و دوری از کینه‌توزی، تندخویی، بدزبانی، ستیزه‌جویی، غیبت و دشنام است؛ زیرا از جمله تعالیمی که به طور مؤکد به روزه‌دار داده شده، این است که مواظب چشم و زبان و گوش خویش باشد و اگر از کسی نادانی و بی‌ادبی دید یا دشنام و سخن زشتی شنید به او پاسخ ندهد.

این برخی از فواید و حکمت‌های اجتماعی روزه بود که نشان می‌دهد که روزه یک کلاس تربیتی، اجتماعی و عملی و تعلیم سلوک و معاشرت هر چه بهتر و منزّه‌تر و انسانی‌تر است.

بهار بندگی، ص: ۳۳

«۳۰ روز، ۳۰ جلسه احکام شرعی»

جلسه ۱: روزه

۱. هنگامی که روزه می‌گیرم، بدنم به شدت سست می‌شود و نمی‌توانم کارهایی مثل درس خواندن را انجام دهم، وظیفه من چیست؟

ج. این گونه ضعف و سستی‌ها تقریباً لازمه روزه است و برای نوع افراد پیش می‌آید و نمی‌توان به خاطر آن، روزه را خورد. می‌توانید سحر از غذای مقوی استفاده کنید و ساعات خواب شب را کمی بیش‌تر نمایید تا در روز دچار مشکل نشوید.

۲. دخترانی که تازه به سن بلوغ می‌رسند، و قدرت گرفتن همه روزه‌ها را ندارند، چه وظیفه‌ای دارند؟

ج. هر مقدار از روزه‌ها را که می‌توانند، در ماه رمضان بگیرند و قضای بقیه آن را در طول سال به تدریج بجا آورند. و اگر نمی‌توانند روزه بگیرند، فعلاً - پرداخت کفاره (یک میّ طعام تقریباً ۷۵۰ گرم طعام برای هر روز) کافی است و در سال‌های بعد

قضای آن را هم بگیرند.

۳. قضای روزه‌های رمضان سال گذشته را تا رمضان امسال به تأخیر انداخته‌ام، کفاره آن چقدر است؟

ج. برای هر روز، یک مُد طعام. تقریباً ۷۵۰ گرم گندم، آرد، جو و به فقیر غیر سید پردازید و قضای آن را هم بعداً بجا آورید.
بهار بندگی، ص: ۳۴

۴. آیا در ماه مبارک رمضان، می‌شود سرم یا آمپول، تزریق کرد؟ اگر تقویتی باشد چطور؟

ج. احتیاط مستحب آن است که روزه‌دار از استعمال آمپول و سرم خودداری کند و فرقی بین آمپول‌ها نیست و اگر لازم شد و تزریق کرد روزه او باطل نمی‌شود.

۵. کسانی که می‌خواهند روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله یا یکی از ائمه علیهم‌السلام نقل کنند ولی نمی‌دانند که سند آن درست است یا نه، چه وظیفه‌ای دارند؟

ج. اگر بخواهند خبری را که نمی‌دانند راست است یا دروغ نقل کنند بنا بر احتیاط واجب باید از کسی که آن خبر را گفته، یا از کتابی که آن خبر در آن نوشته شده نقل نمایند.

۶. اگر شخص به قصد بیرون آمدن منی استمناء کند ولی منی خارج نشود، آیا روزه‌اش باطل می‌شود؟

ج. شخص مذکور باید آن روز را امساک کند و قضاء هم بگیرد ولی کفاره ندارد.

۷. چنانچه از قول عده‌ای از متخصصین و منجمین علم اطمینان پیدا کنیم که ماه دیده شده است، آیا می‌شود گفت فردای آن روز اول ماه شوال و عید فطر است یا باید حتماً مرجع تقلید خودمان اعلام کند؟

ج. اگر ع-ده‌ای ک-ه از گ-ف-ته آنان یقین یا اطمینان پیدا می‌شود، بگویند ماه را دیده‌ایم اول ماه ثابت می‌شود.

۸. چنانچه شخص روزه‌دار در ظهر ماه رمضان بخوابد و در خواب محتلم شود، آیا باید فوراً غسل کند یا نه؟

ج. اگر روزه‌دار در روز محتلم شود، واجب نیست فوراً غسل کند.

بهار بندگی، ص: ۳۵

۹. مادر بنده سال پیش به بیماری سختی دچار شد و نتوانست روزه‌هایش را بگیرد. بیماری او تا امسال ادامه دارد و امسال هم نمی‌تواند روزه بگیرد. حکم روزه‌های او چیست؟ لطفاً جواب را روشن بفرمایید تا وظیفه شرعی خود را بدانیم؟

ج. اگر مادر شما به واسطه بیماری روزه خود را نگرفته و بیماری‌اش تا رمضان سال بعد طول بکشد، ق-ضای روزه‌هایی را که نگرفته بر او واجب نیست و باید برای هر روز یک مد که تقریباً ده سیر است ط-ع-ام ی-ع-نی: گندم یا جو و مانند اینها- به فقیر بدهد.

۱۰. زکات فطره برای کودک شیرخوار واجب است یا خیر؟

ج. بلی، به طفل شیرخوار نیز زکات فطره تعلق می‌گیرد.

۱۱. فطریه پسر یا دختری که در شهری دور از خود هستند و درس می‌خوانند ولی با پول پدر زندگی می‌کنند، بر عهده پدرشان است یا خودشان؟

ج. در فرض سؤال فطره آنها بر عهده پدر است.

۱۲. پرداخت زکات فطره به کمیته امداد، سازمان بهزیستی و بعضی مؤسسات خیریه چه صورتی دارد؟

ج. بنظر اینجانب زکات فطره بنا بر احتیاط واجب باید به فقیر شیعه اثنی عشری برسد و مکلف باید آنچه را تحت عنوان زکات فطره به اینگونه سازمانها و مؤسسات می‌دهد یقین کند که بدون کم و زیاد در مورد مصرف، (فقیر شیعه اثنی عشری) صرف شده و الا ذمه‌اش بری نمی‌شود پس برای هر کس این یقین حاصل شود، اشکال ندارد مثلاً کسی که زکات فطره می‌دهد و سید نیست باید

یقین کند که به مصرف فقیر غیر سید رسیده است و به سید و به مدرسه و مسجد و حسینیه نداده‌اند.

بهار بندگی، ص: ۳۶

جلسه ۲: تقلید

۱۳. اعلیت یک مرجع از چه راهی ثابت می‌شود؟ آیا احتیاج به علم خاصی است یا اینکه عموم مردم نیز می‌توانند تشخیص بدهند و در بین مراجع عظام در قید حیات کدام یک اعلم هستند؟

ج. مجتهد و اعلم را از سه راه که در رساله آمده می‌توان شناخت؛ یکی از راهها آن است که دو نفر عالم عادل که می‌توانند اعلم را تشخیص بدهند اعلم بودن کسی را بگویند بشرط آنکه دو نفر دیگر مانند آنها مخالف نظرشان نباشند و اگر برای شما بعد از تحقیق از اهل خبره اعلم یا محتمل‌الاعلمیه را تعیین نکردند مخیرید از هر یک از مجتهدین تقلید نمایید.

۱۴. حکم کسی که بدون تحقیق، از مرجع تقلید پدر یا مادر خانواده تقلید کرده، چیست؟

ج. اگر با اطمینان به صحت تحقیق آنها، مرجعی را اعلم تشخیص داده است، مانعی ندارد؛ در غیر این صورت، لازم است پس از تحقیق، به مرجع اعلم رجوع کند.

۱۵. آیا عدول از مرجع تقلید زنده به مرجع تقلید دیگر جایز است؟

ج. عدول از مرجع تقلید زنده به مجتهد دیگر، بنابر احتیاط واجب، جایز نیست؛ مگر آن که مرجع دوم از مرجع اول اعلم باشد.

۱۶. آیا می‌توان مرجع تقلید خود را تغییر داد؟ دلیل تغییر این است که اجرای بعضی از احکام برایم سخت است و ترجیح می‌دهم از دستور مرجع دیگری تقلید کنم.

ج. امر مذکور در سؤال مجوز تغییر مرجع تقلید نیست. تنها در صورتی می‌توان به مرجعی دیگر عدول کرد که مرجع اول شرایط مرجعیت را از دست داده باشد یا اعلیت مرجع دوم احراز شده باشد.

بهار بندگی، ص: ۳۷

جلسه ۳: طهارت و نجاست

۱۷. اگر دست یا جایی از بدن نجس شود، چگونه می‌توان با آب قلیل پاک نمود؟

ج. چنانچه بر اثر بول نجس شده باشد، پس از برطرف شدن عین نجاست دو مرتبه آب بریزید، و اگر بر اثر خون و مانند آن نجس شده باشد، پس از برطرف شدن عین نجاست یک مرتبه آب ریختن کافی است.

۱۸. اگر آب لوله‌کشی روی زمین نجس بریزد و به لباس و بدن ترشح کند، آیا همچنان پاک است یا نجس می‌شود؟

ج. چون آب لوله‌کشی شهرها به کر متصل است، به هر موضع نجسی که برسد آن را پاک می‌کند. بنابر این، اگر آب لوله‌کشی، حتی از محلی که نجس است به انسان ترشح کند پاک است؛ مگر این که عین نجاست، (مانند خون) در آب ترشح شده، باشد.

۱۹. چنانچه فرش، نجس شده باشد، ولی فراموش کرده باشیم که کدام قسمت آن بوده، حال اگر با پای مرطوب روی آن راه برویم، آیا پایمان نجس می‌شود؟

ج. اگر یقین ندارید که پای تر شما با قسمت نجس فرش برخورد کرده است، محکوم به طهارت است.

۲۰. آیا خون کم‌تر از درهم که در نماز بخشیده شده، پاک است؟

ج. خون کم‌تر از درهم، نجس و نجس‌کننده است؛ ولی اگر در بدن و لباس نماز گزار باشد، نماز با آن صحیح است.

۲۱. آیا الکل صنعتی و الکل سفید پاک است؟

ج. اگر از مُسکر مایع بلاصالحه تهیه نشده باشد، و یا شک در این جهت داشته باشید، پاک است.

بهار بندگی، ص: ۳۸

۲۲. حکم استفاده از عطرها و ادکلن‌ها چیست؟ آیا حکم فرآورده‌های کشورهای مسلمان با غیر مسلمان فرق دارد؟

ج. عطرها و ادکلن‌هایی که در کشورهای مسلمان یا غیر مسلمان ساخته می‌شوند، در صورت شک در طهارت و نجاست آن، محکوم به طهارت است. از این رو استفاده از آنها موجب نجس شدن بدن یا لباس نمی‌شود.

۲۳. جوهر خودکاری که روی دست باقی مانده آیا برای وضو و غسل اشکال ایجاد می‌کند؟

ج. جوهر خودکار و هر رنگ دیگر اگر جسمیت داشته باشد و مانع رسیدن آب به پوست باشد، باید برطرف شود؛ ولی اگر فقط رنگ است و جسمیت ندارد، مثل این که بعد از شستن، باز اثر آن باقی باشد، برای غسل و وضو اشکال ندارد.

۲۴. آیا می‌توان قبل از اذان وضو گرفت و بعد با همان وضو نماز خواند؟

ج. وضو گرفتن به قصد با طهارت بودن مستحب است. بنابراین، با این قصد می‌توان قبل از وقت نماز، وضو گرفت و بعد از داخل شدن وقت نماز، با همان وضو، نماز خواند.

۲۵. گاهی اوقات از من مقداری آب بی‌رنگ که لزج است خارج می‌شود. آیا غسل بر من واجب می‌شود یا نه؟

ج. غیر از بول و منی سه نوع آب از مخرج بول خارج می‌شود که موجب غسل و وضوء نیستند:

۱. آبی که گاهی بعد از بازی و ملاحظه از انسان خارج می‌شود نامش (مذی) است و آن پاک است.

۲. آبی که گاهی بعد از خروج منی بیرون می‌آید و نامش (وذی) است که اگر ظاهر محل تطهیر شده باشد پاک است.

بهار بندگی، ص: ۳۹

۳. آبی که گاهی بعد از بول بیرون می‌آید و نامش (ودی) است که اگر بول به آن نرسد پاک است.

حال اگر مایع مذکور علائم منی را نداشته باشد و شما شک در منی بودن آن دارید، محکوم به طهارت است و غسل لازم نیست.

جلسه ۴: نماز

۲۶. کسی که با سرعت به سجده می‌رود اگر سرش بیش از یک بار به مهر بخورد حکمش چیست؟

ج. در مواردی که سر بدون اختیار از محل سجده برمی‌گردد و دوباره بدون اختیار به محل سجده می‌رسد، یک سجده محسوب می‌شود و نماز صحیح است؛ اما اگر می‌تواند بعد از برگشتن سر از محل سجده از فرود دوباره آن به مهر جلوگیری کند؛ باید از برگشتن سر به سجده خودداری کند و آن رایک سجده به حساب آورد (حتی اگر ذکر سجده را نگفته باشد) و بعد از نشستن، دوباره به سجده برود و آن را سجده دوم خود حساب کند.

۲۷. اگر در حال خواندن نماز، بجهای مهر را بردارد، چه باید کرد؟

ج. اگر چیزی که سجده بر آن صحیح است در دسترس او باشد، باید بر همان سجده کند؛ و گر نه- اگر وقت وسعت دارد- نماز را بشکند و دوباره با چیزی که می‌توان بر آن سجده کرد، نماز بخواند. اما اگر وقت تنگ است و نماز قضا می‌شود، باید به لباس خود سجده کند؛ و اگر آن هم ممکن نبود، به پشت دست سجده کند.

۲۸. نمازهای روزانه در قطب که شش ماه روز و شش ماه شب است، چگونه خوانده می‌شود؟

ج. نمازها را باید مطابق افق نزدیک‌ترین محلی که روز و شب طبیعی دارد، بخوانند، و یا مطابق افق مناطق معتدل عمل کنند.

بهار بندگی، ص: ۴۰

۲۹. فرو بردن ریزه‌های غذا که در بین دندان‌ها است، در حال نماز چه صورت دارد؟

ج. اشکال ندارد.

۳۰. اگر دستمال یا چیز نجس دیگری همراه نماز گزار باشد، چه حکمی دارد؟

ج. بودن اشیایی مانند دستمال کوچک، کلید، چاقو و پول نجس به همراه نماز گزار، در صورتی که نجاست آن به بدن و لباس سرایت نکند، اشکال ندارد.

۳۱. بعضی از کسانی که نماز را نشسته می‌خوانند، برای سجده مَهر را برداشته و به پیشانی می‌چسبانند، آیا این کار صحیح است، یا باید پیشانی روی مهر بیاید؟

ج. اگر بتوانند باید با استفاده از میز و مانند آن، محل سجده را بالا بیاورند؛ و اگر به این مقدار هم نمی‌توانند خم شوند، مَهر را با دست بالا آورده، پیشانی را بر آن بگذارند.

۳۲. خواهشمند است احکام نماز و روزه دانشجویان را بیان فرمایید.

ج. دانشجویانی که بین وطن و محل تحصیل تردد می‌کنند سه دسته‌اند:

دسته اول: کسانی که بین وطن و محل تحصیل به صورت مرتب در هفته یک روز یا بیشتر یا هر ده روز یکبار برای تحصیل سفر کند و ده روز در یکجا نماند (نه در وطن و نه در محل تحصیل) و این رفت و آمد به مدت سه الی چهار ماه یا بیشتر باشد، در غیر سفر اول نمازش تمام و روزه صحیح است؛ چه در محل خوابگاه و چه در محل تحصیل و چه بین راه.

دسته دوم: کسانی هستند که وضع رفت و آمدشان مرتب نیست که اغلب بین شهر خود و محل تحصیل هر هفته یا در بین هر ده روز در رفت و آمد نیستند، آنان حکم مسافر را دارند که باید در بین راه و محل تحصیل با عدم قصد اقامه ده روز یا عدم توقف سی روز بدون قصد، نماز را شکسته خوانده و روزه نگیرند.

بهار بندگی، ص: ۴۱

دسته سوم: کسانی هستند که از وطن به محل تحصیل رفته و قصد توقف ده روز در محل تحصیل دارند که در این صورت نماز تمام و روزه صحیح است و چنانچه بیشتر از ده روز در آنجا بماند تا وقتی که مسافرت نکرده باید نمازش را تمام بخواند و لازم نیست دوباره قصد ماندن ده روز کند.

جلسه ۵: احکام خمس

۳۳. آیا به سود پولی که در بانک سپرده گذاری شده در صورتی که خمس اصل پول پرداخت شده باشد خمس تعلق می‌گیرد؟
ج. اگر سود بنحو مشروع باشد، هر مقدار از آن که مصرف نگردد و تا سر سال خمسی باقی بماند پرداخت خمس آن واجب است.
۳۴. برای رفتن به عمره مفرده ثبت نام کرده‌ام. قسمتی از پول آن را پرداخته‌ام و بقیه وام است، آیا لازم است خمس آن‌ها را بپردازم؟

ج. پولی که پرداخته‌اید، اگر از درآمد بین سال بوده خمس ندارد و همچنین وام مذکور خمس ندارد.

۳۵. پولی را به تدریج برای تهیه خانه پس انداز کرده‌ام آیا به آن خمس تعلق می‌گیرد؟

ج. اگر راهی برای تهیه خانه مسکونی مورد نیاز فعلی، غیر از پس انداز تدریجی ندارید، پس انداز مذکور خمس ندارد.

۳۶. اگر برای جهیزیه دختر پول یا لوازم زندگی کنار بگذاریم آیا خمس دارد؟

ج. جهیزیه برای دختری که در سنین ازدواج تهیه می‌شود جزء مؤونه است و خمس ندارد ولی پولی که جهت جهیزیه کنار گذاشته می‌شود این حکم را ندارد

بلی اگر تهیه بعضی اقلام جهیزیه بدون کنار گذاشتن پول که قهراً سال هم بر آن میگذرد و برای شخص یکجا خریدن ممکن نباشد در این صورت به پولی که بهار بندگی، ص: ۴۲ جهت تهیه آن کنار گذاشته خمس تعلق نمی‌گیرد.

۳۷. کسی که به تقلید از مجتهد میت باقی مانده است، خمس خود را باید به چه کسی پردازد؟
ج. لازم است خمس را به مجتهد زنده پردازد، و پرداخت به وکیل مجتهد میت کفایت نمی‌کند.

جلسه ۶: خرید و فروش و اجاره

۳۸. خرید و فروش چک به مبلغ کمتر از مبلغ مندرج در چک بانکی چه صورت دارد؟ (البته چکی که مثلاً مربوط به دو ماه دیگر باشد)

ج. خود چک قابل خرید و فروش نیست. بلی، چنانچه چک صوری نباشد و حقیقتاً کسی طلبی در ذمه صاحب چک داشته می‌تواند آن طلب خود را به دیگری و یا به خود بدهکار به کمتر بفروشد.

۳۹. خرید و فروش اسکناس چه حکمی دارد؟

ج. در صورتی که غرض عقلایی، مثل تبدیل پول کهنه به نو یا پول ریز به درشت یا برای فرار از ربا باشد. اشکال ندارد.

۴۰. رهن خانه که فعلاً مرسوم است، یعنی چند میلیون می‌دهند تا صاحب خانه مبلغی را از اجاره کم کند، آیا وجه شرعی دارد؟

ج. اگر قرض مشروط به کم شدن مال الاجاره باشد، قرض ربوی و حرام است و اگر مؤجر خانه را به مبلغی اجاره دهد و در ضمن اجاره شرط کند که فلان مبلغ را مستأجر به او قرض بدهد اشکال ندارد.

جلسه ۷: حق التألیف و رایت

۴۱. نظر معظم له را پیرامون حقوق مالکیت فکری و معنوی (حق التألیف، حق اختراع و مواردی همچون تولید بسته‌های نرم افزاری بیان فرمایید.

بهار بندگی، ص: ۴۳

ج. به طور کلی مشروعیت مالکیت معنوی که بر آن آثار خاصی مرتب می‌کنند و حتی در بعضی موارد از دیگران سلب حق می‌نمایند و دیگران را از تقلید آن ممنوع می‌سازند در نزد اینجانب ثابت نیست.

۴۲. بعضی اوقات ناچاریم یک یا چند صفحه و گاهی یک فصل از کتابی را برای درس یا تحقیق کپی کنیم، چه صورت دارد؟

ج. کپی چند صفحه یا یک فصل از کتاب، چاپ کتاب نیست و آن حکم را ندارد، و اگر مالک آن اذن بدهد اشکال ندارد.

۴۳. شکستن قفل

CD

ونسخه برداری و تکثیر آن بدون اجازه از صاحب اصلی اش چه حکمی دارد؟

ج. اگر در موقع فروش، شرط نشکستن قفل و عدم کپی شده و یا مبیئاً بر آن فروخته شده باشد، شکستن قفل و کپی کردن خلاف شرط است و جایز نیست و اگر کسی این کار را کرد استفاده از آن برای شخص دوم اشکال ندارد.

جلسه ۸: نذر

۴۴. نذرهایی برای قبولی در کنکور کرده‌ام که انجام آن با درس خواندن برایم مشکل است؛ آیا می‌توانم آنها را تغییر دهم؟
 ج. اگر در موقع نذر کردن، صیغه نذر را به عربی یا فارسی نخوانده باشید، چیزی بر شما واجب نیست.
 ۴۵. نذری کرده‌ام؛ ولی بین دو چیز (روزه گرفتن و صدقه دادن به فقیر) شک دارم و نمی‌دانم کدام یک از آن دو است؛ تکلیف چیست؟

ج. اگر صیغه نذر را خوانده‌اید، باید احتیاط کرده و به هر دو عمل کنید.
 ۴۶. کفاره نذری که عمداً بجا نیاورده و مدتی از زمان آن گذشته است، چگونه است؟
 ج. کفاره آن، آزاد کردن یک بنده یا اطعام شصت فقیر و یا گرفتن دو ماه روزه است.
 بهار بندگی، ص: ۴۴

جلسه ۹: مسابقات و شرط بندی

۴۷. شرط بندی حلال است یا حرام؟
 ج. شرط بندی در مواردی مثل مسابقات اسب دوانی و تیراندازی با شرائط مقرر جایز، و در سایر موارد جایز نیست.
 ۴۸. حکم برد و باخت و جوایز در بازی‌های ورزشی مثل فوتبال و والیبال چیست؟
 ج. جوایزی که از طرف سازمان‌ها و مؤسسات پرداخت می‌شود، حلال است؛ ولی اگر جایزه از سوی بازیکنان باشد و بازی با شرط برد و باخت برگزار شود، قمار و حرام است.
 ۴۹. آیا بازی با شطرنج و شرکت در مسابقات شطرنج و تعلیم و تعلم و خرید و فروش آن با توجه به احادیث و روایات و ادله فقهی که در مورد آن وارد شده است جایز می‌باشد؟
 ج. به نظر حقیر بازی شطرنج و لو بدون برد و باخت باشد و تعلیم و تعلم و خرید و فروش آن و شرکت در مسابقات به هر نحو باشد حرام است.

جلسه ۱۰: قرض و ربا

۵۰. لطفاً نظراتان را در مورد پولی که به حساب بانک گذاشته می‌شود و به آن سودی تعلق می‌گیرد بیان فرمایید؟
 ج. در فرض سؤال، اگر پول خود را به بانک به عنوان وام ندهید بلکه بانک را وکیل کنید که با پول شما معامله مشروع با رعایت شرایط آن انجام دهد و بانک آن مبلغ را بعنوان منافع معاملات بدهد اشکال ندارد.
 ۵۱. جایزه‌هایی که بانک به صاحبان حساب قرض الحسنه می‌دهد، چه صورتی دارد؟
 بهار بندگی، ص: ۴۵
 ج. اگر در موقع افتتاح حساب، شرط شرکت در قرعه کشی نکرده باشند، اشکال ندارد؛ هر چند انگیزه شخص از افتتاح حساب، شرکت در قرعه کشی باشد.
 ۵۲. در مورد وامهایی که ابتدا مبلغی را نزد بانک می‌گذاریم و بعد از مدتی ۲ یا ۳ برابر وام می‌دهند یا پس از پرداخت وام، کارمزد دریافت می‌کنند، چه حکمی دارد؟
 ج. بطور کلی وام بشرط سود ولو بعنوان کارمزد یا بشرط گذاشتن پول برای مدتی در بانک، وام بشرط می‌باشد و حرام است.

جلسه ۱۱: معاشرت با اهل کتاب و فرقه‌های گوناگون

۵۳. معاشرت با اهل کتاب و هم‌غذا شدن با آنها چه حکمی دارد؟

ج. ذبائح اهل کتاب مردار و نجس است و خوردن آن جائز نیست و خودشان نیز بنا بر احتیاط واجب نجس هستند بنا بر این هر چه که در حال رطوبت با آن ملاقات نمایند بنا بر احتیاط واجب نجس می‌شود.

۵۴. نظر مبارک در مورد صوفیه و عقائد آنها چیست؟

ج. صوفیه با فرقه‌ها و انشعابات بسیاری که دارند اگر چه در انحراف در یک سطح نیستند و بسا برخی از آنان خارج از ربهه اسلام شمرده نشوند در مجموع منحرفند و عقائد خاصه‌ای که دارند غیر اسلامی است.

۵۵. در مورد معامله و نجاست و پاکی و اکل و شرب با بهائیان سؤال داشتیم و حکم اجتناب را در مورد این مطلب می‌خواستیم.

ج. فرقه بهائی‌گری دینی ندارند و ضالّ و مضلّ هستند و کافر می‌باشند و نجس هستند و با هر چه در حال رطوبت برخورد کنند نجس می‌شود و تبلیغ و ترویج آنها حرام و معامله با آنها جائز نیست؛ مؤمنین باید با شناخت کامل از عقائد حقّه شیعه اثنا عشری دفاع نموده و خودشان را از شر مکائد شیطانی و دشمنان محافظت نمایند.

بهار بندگی، ص: ۴۶

جلسه ۱۲: قوانین و مقررات

۵۶. چنانچه یکی از کارکنان بانک‌ها یا مؤسسات دولتی با استفاده از اسم و عنوان و تخصص خود در ساعات غیر اداری برای کسی که مشتری بانک یا مؤسسه است کار کند و حقوق دریافت نماید در صورتی که در بانک یا مؤسسه خود به تخصص او نیاز باشد و حاضر به انجام کار اضافی نگردد آیا حقوق دوم او چه وضعی دارد حلال است یا حرام؟

ج. جائز است کارمند در غیر ساعات اداری برای دیگران کار کند، و شرعاً ملزم به قبول اضافه کار در اداره نیست.

۵۷. انجام کار شخصی در ساعات اداری، بدون محاسبه مرخصی، چه صورت دارد؟

ج. تابع مقررات و اجازه قانونی مسئول مربوط می‌باشد.

۵۸. اگر در اداره‌ای کار مرا راه نمی‌اندازند مگر با گرفتن پول آیا این پول را می‌شود به عنوان صدقه داد؟ و با اطمینان به پایمال

شدن حق، آیا شخص می‌تواند با دادن رشوه به صورت‌های گوناگون، حق خود را بگیرد و از پایمال شدن حق خود ممانعت کند؟

ج. اگر رسیدن بحق مسلم و مشروع بدون پرداخت وجهی به کسی که اداء یا احقاق حق با اوست میسر نمی‌شود جایز است ولی برگیرنده پول حرام است.

۵۹. اگر برای حلوا درست کردن مثلاً ۳ کیلو آرد از نانوائی بخریم آیا اشکال دارد؟

ج. اگر آرد را دولت به نانوا فروخته و شرط کرده که آن را نان کند و به مردم بدهد بر نانوا فروختن آن جائز نیست و مردم هم نباید آرد را از نانوا بخرند.

جلسه ۱۳: حجاب و رابطه با نامحرم

۶۰. در عقدها و عروسی‌ها که معمولاً خانم‌ها با لباس‌های ویژه آن مراسم شرکت دارند و در اکثر مواقع نیز لباس‌ها، بدن‌نما است و

فیلمبرداری صورت می‌گیرد تکلیف ما چیست؟

بهار بندگی، ص: ۴۷

- ج. اگر می‌دانید یا احتمال می‌دهید که در آینده این فیلم‌ها توسط افراد نامحرم مشاهده می‌گردد لازم است حجاب کامل خود را موقع فیلمبرداری مراعات کنید و اگر نمی‌توانید، از واقع شدن در مقابل دوربین فیلمبرداری خودداری نمایید.
۶۱. استفاده از کرم‌های چرب کننده، مرطوب کننده، ضد آفتاب و ... بر روی دست و صورت، اگر به منظور محافظت از پوست بکار برده شود ولو این که خوشبو باشد و یا باعث سفید و روشن شدن پوست شوند؛ چه حکمی دارد؟
- ج. اگر آرایش و زینت محسوب نشود، و بوی خوش آن موجب التذاذ و تحریک نامحرم نگردد اشکال ندارد. ولی در هر صورت بنابر احتیاط واجب، صورت را از نامحرم بپوشاند.
۶۲. پوشیدن جوراب نازک برای خانم‌ها چه حکمی دارد؟
- ج. چون پوشاندن روی پا در مقابل نامحرم واجب است. بنابراین، استفاده از جوراب نازک که پوست پا از زیر آن پیدا باشد در مقابل نامحرم جایز نیست.
۶۳. آیا پوشیدن لباس تنگ و کوتاه برای خانم‌ها جایز است؟
- ج. لباس خانم‌ها در مقابل نامحرم، باید اولاً بدن را بپوشاند و ثانیاً بنحوی نباشد که موجب تحریک نامحرم گردد، و برجستگی‌های بدن در آن ظاهر باشد.

جلسه ۱۴: لباس و زینت

۶۴. آیا پوشیدن لباس آستین کوتاه برای آقایان جایز است؟
- ج. چنانچه مرد بداند زنان با قصد لذت به دست او نگاه می‌کنند، احتیاط واجب پوشاندن آن است.
۶۵. تراشیدن ریش با تیغ چه حکمی دارد؟
- ج. تراشیدن ریش با تیغ و کوتاه کردن آن، اگر مثل تراشیدن باشد، حرام است. البته لازم نیست ریش بلند گذاشته شود؛ بلکه به مقداری که صدق ریش بهار بندگی، ص: ۴۸ کند کافی است.
۶۶. آیا زن می‌تواند ناخن خود را بلند کند؟
- ج. گذاشتن ناخن بلند برای زن مسلمان کار مناسبی نیست و پوشاندنش از نامحرم بنا بر احتیاط واجب لازم است؛ چه بلند باشد چه کوتاه.
۶۷. حکم استفاده بوی خوش برای خانم‌ها چیست؟
- ج. اشکال ندارد و لکن در موقع خروج از منزل اگر معطر بودن موجب توجه اجنبی شود از عطر زدن خودداری شود.
۶۸. خانم من در مجالس خانم‌ها دوست دارد با لباس نیمه لخت حضور یابد، آیا این کار اشکال دارد؟
- ج. اگر پوشیدن چنین لباسی در مجالس زنانه معمول باشد و موجب ترویج بدحجابی و فساد اخلاق ولو تدریجاً نباشد مانع ندارد.
۶۹. حکم طلای سفید برای مردان چگونه است؟
- ج. طلای زرد، اگر مخلوط نقره داشته باشد که در اصطلاح برخی طلای سفید نامیده می‌شود، برای مرد جایز نیست؛ اما پلاتین که فلز دیگری غیر از طلا است، برای مردان اشکال ندارد.

جلسه ۱۵: نگاه کردن

۷۰. نگاه به وجه و کفین زن نامحرم بدون شهوت چه صورت دارد، انداختن عکس زن نامحرم چه صورت دارد؟
 ج. نگاه به وجه و کفین اگر با قصد لذت باشد حرام است و نظر بدون لذت را هم بنا بر احتیاط واجب باید ترک کند و انداختن عکس هم اگر مستلزم نظر نباشد اشکال ندارد و الا حکمش همان است که گفته شد.
 ۷۱. دانش آموزان و دانشجویان دختری که در کلاس درس آقایان

بهار بندگی، ص: ۴۹

شرکت می‌کنند وظیفه آنها نسبت به نگاه کردن، سؤال و جواب و دیگر برخوردهای بین شاگرد و استاد چیست؟
 ج. نگاه عمدی با التذاذ و ریه حرام و بدون آن نیز بنا بر احتیاط واجب ترک شود و اما صحبت کردن در صورتی که التذاذ و ریه در بین نباشد اشکال ندارد و الا جایز نیست.

۷۲. نگاه کردن به عکس بانوانی که آنان را می‌شناسیم و حجاب اسلامی ندارند بدون قصد و لذت چه صورتی دارد؟
 ج. اشکال دارد.

۷۳. نگاه کردن به عکس برهنه زنان مسلمان ناشناس بدون قصد لذت چه حکمی دارد؟
 ج. چون معرضیت برای فساد دارد جایز نیست.

۷۴. نگاه کردن به عکس برهنه زنان اهل کتاب و مشرکین بدون لذت و شهوت و بدون آنکه مقدمه گناه شود چه حکمی دارد؟
 ج. چون معرضیت برای فساد دارد جایز نیست.

جلسه ۱۶: پزشکی

۷۵. آیا بستن لوله برای خانم‌ها اشکال دارد یا نه؟
 ج. عقیم کردن زن و یامرد جائز نیست ولی جلوگیری موقت از انعقاد نطفه اشکال ندارد.
 ۷۶. در هفته‌های اول حاملگی که هنوز خلقت جنین کامل نشده است، سقط جنین چه صورتی دارد؟
 ج. پس از انعقاد نطفه، سقط جنین حرام است و موجب دیه می‌گردد و دیه آن بر حسب مراحل خلقت جنین از بیست تا هزار دینار طلا است. [دینار معادل ۱۸ نخود طلای مسکوک است

بهار بندگی، ص: ۵۰

۷۷. آیا تغییر جنسیت شرعاً ایراد دارد؟ ازدواج با کسی که تغییر جنسیت داده چه حکمی دارد؟
 ج. کسی که جنسیتش محرز است، تغییر جنسیت برای او جایز نیست و اگر با عدم جواز، کسی این کار را با این که تحقق آن بعید است انجام دهد و حقیقتاً جنسیت او؛ چه در اعضاء ظاهری بدن و چه اعضاء باطنی تغییر کند به طوری که واقعاً مرد، زن شود و با زنان دیگر فرق نداشته باشد و یا بالعکس، در این صورت حکم روابط بر اساس جنسیت جدید است.

۷۸. اگر دکتری به قسمتی از بدن زن بیمار که مربوط به محدوده علم خودش نباشد دست بزند و از روی هوا و هوس این کار را بکند چه حکمی دارد و شخص بیمار با توجه به این که همه چیز را مراعات می‌کند و با حجاب می‌باشد باید چکار کند؟
 ج. جایز نیست و حرام می‌باشد. به طور کلی مراجعه مرد به طیب زن و بالعکس در صورت وجود مماثل و در غیر ضرورت اشکال دارد مگر اینکه هیچگونه گناهی از قبیل لمس و نظر و غیر اینها در بین نباشد.

جلسه ۱۷: تصرف در مال دیگری

۷۹. در دوران کودکی پولی از کسی برداشته‌ام و نمی‌توانم مستقیماً مطلب را به او بگویم، بنظر شما چگونه عمل کنم؟ آیا می‌توانم

صدقه دهم؟

ج. باید به طریقی، پول را به صاحبش برسانید و لازم نیست بگویید بابت چه چیز است؛ مثلاً می‌توانید به او بگویید این پول را سابقاً از من طلب داشته‌ای؛ و یا به حساب بانکی او واریز کنید؛ و یا به وسیله شخص دیگری پول را به دست او برسانید؛ و در هر حال صدقه دادن کفایت نمی‌کند.

۸۰. کفش من در مسجد گم شد، کفش دیگری بجای آن برداشتم. کار من چه حکمی دارد و الآن چه باید کنم؟

ج. اگر بدانید کفشی که برداشته‌اید مال کسی است که کفش شما را برده،

بهار بندگی، ص: ۵۱

می‌توانید بجای کفش خود بردارید؛ ولی اگر قیمت آن از کفش خودتان بیش تر باشد، باید هر وقت صاحب آن پیدا شد زیادی قیمت را به او بدهید؛ و چنانچه از پیدا شدن او ناامید شوید، باید با اجازه حاکم شرع (مجتهد جامع الشرائط) زیادی قیمت را از طرف صاحبش صدقه بدهید. اما اگر احتمال می‌دهید کفشی که برداشته‌اید مال کسی که کفش شما را برده نیست، باید صاحب آن را پیدا کنید و چنان که مأیوس شدید، آن را از طرف صاحبش به فقیر غیر سید صدقه بدهید.

۸۱. اگر شاخه درخت کسی در باغ همسایه برود آیا همسایه می‌تواند میوه این شاخه را تصرف کند؟

ج. در فرض سؤال، جواز تصرف همسایه در میوه درخت یا شاخه او منوط به اجازه صاحب درخت است.

جلسه ۱۸: تلویزیون و ماهواره

۸۲. حکم نشان دادن ورزشی بانوان در صدا و سیما را بیان فرمایید؟

ج. به لحاظ مفاسد مترتبه بر آن جایز نیست.

۸۳. حکم اختلاط زنان و مردان هنرمند؛ در سریال، فیلم، اجرای اخبار و یا مصاحبه، را بیان فرمایید؟

ج. از جمله آداب و رسوم متشرعه جدایی مرد اجنبی از زن اجنبیه و عدم اختلاطشان با یکدیگر است که از روش اهلیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام و بیاناتشان در این خصوص تلقی شده است و آنچه امروز متداول شده که مرد و زن اجنبی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند پشتوانه شرعی ندارد بلکه مدارک شرعی برخلاف آن است.

۸۴. نشان دادن چهره کامل پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت زهرا

بهار بندگی، ص: ۵۲

علیها السلام و سایر ائمه علیهم السلام چه حکمی دارد؟

ج. نشان دادن چهره حضرت زهرا علیها السلام اهانت به آن حضرت است و باید ترک شود و نشان دادن چهره حضرت رسول اکرم و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین چون حاکی از چهره واقعی آن بزرگواران نیست و به اختلاف کسانی که خود را شبیه ایشان می‌نمایند چهره های گوناگون که بسا برخی از آنها نامناسب است ارائه می‌شود و اشخاصی که در نقش شبیه آنها عمل می‌کنند گاه در بین مردم اعتبار اخلاقی ندارند و حتی ممکن است اشخاصی باشند که سوابق خوبی در جامعه ندارند و خلاصه به جهات متعدد که در اینجا مجال شرح آن نیست موجب اهانت و تحریف بعضی حقایق می‌شود لذا مورد تجویز نیست.

۸۵. حکم استفاده از ماهواره در غیر موارد حرام چیست؟

ج. نظر به اینکه بسیاری از شبکه های ماهواره‌ای که پخش می‌شود موجب سوق دادن مردم به شهوات و انحراف و فساد اخلاق می‌باشند، خرید و فروش و استفاده از آن جایز نیست مگر اینکه انسان کاملاً مطمئن باشد که استفاده غیر مشروع نمی‌کند. در هر حال بسیار باید مراقب باشید.

۸۶. در مورد آهنگ‌هایی که از تلویزیون و رادیو و پخش می‌شود و همچنین فیلم‌های خارجی که زنان با سرهای باز و لباس‌های ناجور بازی می‌کنند آیا تماشای این فیلم‌ها اشکال دارد یا خیر؟ و همچنین سرودهایی که از تلویزیون و رادیو پخش می‌گردد؟

ج. چون آهنگ‌های مورد سؤال نوعاً لهو محسوب می‌شود حرام است و همچنین نظر به فیلم‌های مبتذل جایز نیست و سرودها اگر به الحان غنا خوانده شود نیز حرام است.

جلسه ۱۹: ازدواج

۸۷. آیا اذن پدر در ازدواج (موقت یا دائم) دختری که رشیده است

بهار بندگی، ص: ۵۳

و صلاح و فساد خود را درک می‌کند شرط است؟

ج. بنظر اینجانب بنابر احتیاط لازم اذن پدر یا جد پدری دختر باکره در صحت نکاح او شرط است و رشیده بودن مجوز عدم اذن نیست ولی چون بنظر حقیر بنابر احتیاط است رجوع به غیر که این شرط را معتبر نداند جایز است با رعایت الاعلم فالاعلم.

۸۸. برادرم دختری از پرورشگاه آورده است چگونه این دختر به من و برادران دیگرم محرم می‌شود؟

ج. اگر مادر یا خواهر شما یا زن یکی از برادران شما شیر داشته باشد، و سن دختر کم‌تر از دو سال باشد، می‌توانند از طریق رضاع (شیرخوارگی) او را به شما و سایر برادرانتان محرم سازند. شرایط رضاع را در توضیح المسائل ملاحظه فرمایید.

۸۹. برخی از خانواده‌های دختران در مراسم خواستگاری داشتن ماشین و منزل وسیع و مهریه بالا را نشان سعادت زن می‌دانند و حتی آن‌را موقوف به حدیثی می‌نمایند که «از سعادت زن مهریه بالای اوست» با این توجیه بسیاری از ازدواج بر هم می‌خورد و شرایط ازدواج بسیار سخت شده و آمار آن کاهش می‌یابد. نظر اسلام در این باره چیست؟

ج. امور مذکور هیچ یک موجب سعادت زن نیست و مستحب است مهریه زن بیشتر از مهر السنه نباشد و دخترانی که با مهریه کم و شرایط آسان ازدواج کرده و می‌کنند سعادت‌مندند. در کتاب وسائل الشیعه که از کتب معتبره است نقل شده است «إن من برکة المرأة قلة مهرها و من شؤمها كثرة مهرها» و نیز عن رسول الله صلی الله علیه و آله «افضل نساء امتی اصبحهن وجهاً و اقلهن مهرأً».

جلسه ۲۰: موسیقی

۹۰. نظر حضرت‌تعالی در مورد موسیقی و حدود گوش دادن به آن، چیست؟

بهار بندگی، ص: ۵۴

ج. به نظر اینجانب تمام آهنگ‌هایی که از آلات طرب می‌باشد حرام است و هیچ نوعی جایز نیست.

۹۱. چنانچه کسی به ناچار در محیطی باشد که نوار مبتذل پخش می‌شود و چاره‌ای ندارد تکلیفش چیست؟

ج. استماع و گوش دادن حرام است، ولی به گوش رسیدن آن حرام نیست. بنابر این، در صورت اضطرار، توقف در آن محیط مانعی ندارد، به موسیقی گوش ندهد؛ هر چند به گوش او برسد.

۹۲. استفاده از آلات لهو و موسیقی، در مراسم عزاداری، چه حکمی دارد؟

ج. استفاده از آلات مذکور جایز نیست و تفاوتی بین مراسم عزاداری و جشن وجود ندارد.

جلسه ۲۱: مراسم و مجالس مذهبی

۹۳. آیا دست زدن در مجالس مولودی ائمه اطهار علیهم السلام جایز است و همچنین اگر در هنگام دست زدن، بدن و شانه‌ها باریتم شعر تکان بخورد، چه حکمی دارد؟

ج. لهو است و اشکال دارد و مخصوصاً اشکالش در صورت دوّم بیشتر است و مشابه مجالس رقص و سماع بعضی فرق باطله است و علاوه با احترام و قداست این مجالس عزیز مناسب نیست و معلوم نیست این چه گرایشی است که بعضی به امور لهویه و ملامی پیدا کرده اند و چه شیطانی پشت ترویج این حرکات است.

۹۴. پوشیدن لباس سیاه رنگ در عزاداری ایام محرم و صفر چگونه است (آیا کراهت دارد؟)

ج. بعنوان عزا و اظهار حزن در مصیبت اهل بیت علیهم السلام مستحب است.

بهار بندگی، ص: ۵۵

۹۵. اگر فردی طوری سینه یا زنجیر بزند که بدنش کبود یا قرمز بشود آیا باید کفاره بدهد؟

ج. اگر ضرر معتد به برای بدن نداشته باشد در عزای حضرت سید الشهداء علیه السلام مانعی ندارد.

۹۶. نظر مبارک راجع به طبل و سنج جهت هماهنگ نمودن سینه و زنجیر زدن در عزاداری ماه محرم چیست؟

ج. مراسم عزاداری حضرت سید الشهداء علیه السلام که به صورت مجالس روضه و سخنرانی و حرکت هیئتهای عزا برگزار می‌شود از شعائر بزرگ مذهب و موجب احیاء آثار اهل بیت علیهم السلام و از علائم شعور دینی و تبلور احساسات مذهبی است باید مظاهر آن مظاهر ایمانی بوده و هر چه از آرایش استعمال این وسائل و آلات منزّه تر باشد و ساده و بی پیرایه تر برگزار شود شکوه معنوی آن برتر و جلوه‌های آموزنده آن بیشتر می‌شود این پیرایه‌ها و آرایش‌ها خصوصاً استفاده از آلات لهو که شرعاً ممنوع است از حال عزا و سوگواری و توجه به مفاهیم بلند و آموزنده این مراسم مانع می‌شود امید است در برگزاری این شعائر همگان موفق و مشمول عنایات خاصه حضرت بقیه الله ارواح العالمین له الفدا باشند.

۹۷. عکس‌هایی که از پیامبر صلی الله علیه و آله و امام حسین علیه السلام و حضرت ابوالفضل علیه السلام موجود می‌باشد می‌گویند اثر یک یهودی است، آیا صحت دارد؟

ج. صورت‌هایی که به پیامبر اکرم و ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین نسبت داده می‌شود خیالی و سلیقه‌ای می‌باشد و بهتر این است که دوستداران اهل بیت علیهم السلام احادیث و سخنان آن بزرگواران را با خطّ زیبا نوشته و در مساجد و منازل و بناهای دیگر نصب نمایند. و بهترین عمل در عزاداری، بیان مصائب آن بزرگواران علیهم السلام بر طبق مدارک معتبره می‌باشد.

بهار بندگی، ص: ۵۶

جلسه ۲۲: ورزش

۹۸. بفرمایید برای ورزشکار مسلمان و متعهد چگونه لباسی مناسب است؟

ج. مناسب با ادب و شرف و حیا و وقار مسلمان در لباس ورزشی این است که بطوری که معمول شده کوتاه نباشد و علاوه بر قسمت‌های بالای بدن بین ناف و زانو را هم بپوشاند. (ما بین السرة و الركبة عورة)

۹۹. حکم مسابقه بوکس و شمشیر بازی چون غالباً به زخمی شدن و صدمه زدن به طرف منجر می‌شود چیست؟

ج. بکس جایز نیست و در صورت سیاه شدن و یا کبود و یا سرخ شدن و یا مجروح شدن عضو، دیه دارد که در توضیح المسائل مقدار هر یک ذکر شده است و شمشیر بازی اگر موجب صدمات بدنی باشد همین حکم را دارد.

۱۰۰. در بعضی مسابقات، تماشاگران بر روی برد و باخت بازیکنان شرط بندی می‌کنند این عمل چه حکمی دارد؟

ج. جایز نیست.

۱۰۱. میزان آزادی دختر خانم‌ها از نظر فعالیت‌های ورزشی چگونه است؟ آیا اینکه دختر خانم‌ها بخواهند مانند کشورهای خارجی در همه زمین‌های ورزشی شرکت کنند آیا درست است یا نه؟ چرا؟

ج. حضور بانوان محترمه در زمین‌های ورزشی چه برای تماشا و چه برای ورزش به جهت تبعات سوء و مفساسدی که دارد جایز نیست.

جلسه ۲۳: امر بمعروف و نهی از منکر

۱۰۲. می‌خواهم جویا شوم که اگر سوار ماشینی شده و راننده ماشین نوار ترانه گذاشته باشد حکم در اینجا چیست؟
ج. چنانچه نهی از منکر تأثیر نداشته باشد و یا اینکه پیاده شدن شما حرجی باشد، در مواقع مذکور گوش به موسیقی ندهید انشاءالله موفق باشید.

بهار بندگی، ص: ۵۷

۱۰۳. شرکت نکردن در مجالس عروسی که نوعاً همراه با لهو و لعب است باعث دشمنی بین اقوام فامیل می‌شود، وظیفه چیست؟
ج. حضور در چنین مجالسی چون مجلس معصیت است، جائز نیست. لازم بذکر است که شخص مسلمان نباید در چنین مجالسی شرکت کند و باید علت آن را بگوید و چنانچه حاضر نشدن وی در مجالس معصیت سبب قطع رحم شود، اشکال ندارد چرا که در حقیقت، علت قطع رحم آنان می‌باشند.

جلسه ۲۴: صله رحم

۱۰۴. چه موقع قطع رحم جایز است؟
ج. صله رحم حتی با خویشاوندان فاسق واجب است و لازم است در ارشاد آنان تلاش شود. بلی چنانچه سختی و مشقتی در بین باشد، صله رحم وجوب ندارد؛ ولی باید توجه داشت که لازم نیست این عمل با رفتن به منزل ارحام و مهمانی کردن و مهمان شدن و ... انجام گیرد. همین اندازه که قطع رحم نشود کافی است و این کار با پیغام فرستادن یا تماس تلفنی یا نوشتن نامه یا سلام کردن هم محقق می‌شود.

۱۰۵. وقتی فرد ببیند برادرش به وظایف دینی نماز، خمس و ... [عمل نمی‌کند و به تذکر هم گوش نمی‌دهد، می‌تواند رفت و آمد نداشته باشد و صله رحم را به احوال پرسی تلفنی و مانند آن محدود کند؟

ج. صله رحم به نحو مذکور در سؤال کفایت می‌کند؛ هر چند در صورت احتمال تأثیر، بهتر است رفت و آمد را قطع نکند. بلی، اگر قطع رابطه در توجه او به وظایف شرعی مؤثر باشد، از باب نهی از منکر لازم است.

۱۰۶. اگر پدر و مادر، با بستگان خود قطع رابطه کنند، تکلیف فرزندان چیست؟

ج. فرزندان به وظیفه خود عمل نمایند؛ مگر آن که رفتن آنها موجب آزار

بهار بندگی، ص: ۵۸

والدین باشد که در این صورت، می‌توانند با نامه یا تماس تلفنی، صله رحم نمایند.

جلسه ۲۵: استخاره

۱۰۷. استخاره در چه مواردی است و آیا عمل به آن واجب است یا خیر؟

- ج. مورد استخاره جایی است که در انجام کاری، شخص، تحقیق خود را انجام داده ولی به نتیجه نرسیده و مردد باقی مانده است، که می‌تواند استخاره کند. عمل به استخاره واجب نیست لکن اگر استخاره بد آمد، بهتر است با آن مخالفت نشود.
۱۰۸. آیا استخاره با قرآن یا تسبیح وجه شرعی دارد؟ و در چه مواردی باید استخاره کرد؟
- ج. بنحوی که مرحوم محدث قمی در حاشیه مفاتیح الجنان نقل فرموده اند اشکال ندارد.
۱۰۹. آیا استخاره کردن در مورد ازدواج صحیح است؟
- ج. اگر تحقیق کاملی نسبت به اخلاق و دیانت فرد نموده‌اید و مطمئن هستید نیاز به استخاره نیست.

جلسه ۲۶: خرافات

۱۱۰. امروزه مشاهده می‌گردد وقتی گوسفندی و یا حیوانی را قربانی می‌کنند از خون نجس آن حیوان به ماشین و یا درب منزل خود جهت اینکه چشم نخورد می‌زنند و یا اینکه در روز تاسوعا و یا عاشورا از خون حیوان ذبح شده به پیشانی افراد عزادار می‌زنند این کارها چه حکمی دارد؟
- ج. چنین عملی مستند شرعی ندارد.
- بهار بندگی، ص: ۵۹
۱۱۱. آیا ترویج و انجام مراسم خرافی و بدون مبنای علمی و عقلی و دینی نظیر چهارشنبه سوری و سیزده بدر و تبلیغ افکار و اوهام پوسیده قرون جاهلیت مجاز است؟
- ج. اگر بقصد ترویج آداب مرده و غیر اسلامی و جبهه گیری در مقابل هویت اسلامی باشد حرام است.
۱۱۲. نظر شما در مورد عطسه کردن چیست؟ آیا باید صبر نمود؟ به چه مقدار؟
- ج. در مورد سؤال صبر کردن لازم نیست.
۱۱۳. گرفتن فال حافظ و اعتقاد به صحت آن آیا وجه شرعی دارد؟
- ج. اعتقاد به صحت آن وجه شرعی ندارد.
۱۱۴. نظر جنابعالی در مورد چهارشنبه سوری چیست؟ اگر بیشتر مردم دوست داشته باشند و عرفاً اشکالی نداشته باشد- در این جا چگونه است؟
- ج. از مراسم بعضی از ایرانیان قدیم است و چون تشبیه به آتش پرستان است مذموم است و برای شخص مسلمان عمل لغوی است و سزاوار است آن را ترک کند هر چند دوست داشته باشد.

جلسه ۲۷: دروغ

۱۱۵. آیا می‌شود برای مزاح و شوخی، دروغ گفت؟
- ج. اگر شنونده می‌داند که گوینده شوخی می‌کند حرام نیست ولی اگر طرف مطلب را جدی تلقی می‌کند جایز نیست. مع ذلک در روایت است که (لا یجد المؤمن طعم الایمان حتی یتَرَکَ الکذبَ جدّه و هزله)
۱۱۶. دروغ مصلحتی چه حکمی دارد؟
- ج. دروغ مصلحتی به معنایی که نزد مردم رایج است و در واقع دروغ منفعتی است، حرام است. موارد جواز دروغ در اسلام مشخص است؛ از جمله آن‌ها

بهار بندگی، ص: ۶۰

وجود مصلحت اهم، مثل حفظ جان مؤمن یا رفع نزاع بین دو مسلمان می‌باشد.

۱۱۷. توریه چیست؟ آیا توریه مطلقاً جایز است یا توریه‌ای که مانع مفسده‌ای شود فقط جایز است توریه‌ای که بدون مفسده و بدون مصلحت و یا توریه‌ای که مفسده دار باشد حرام است؟

ج. توریه آن است که انسان از جمله‌ای معنائی را قصد کند که در واقع صحیح است ولی شنونده به ملاحظه ظاهر و متفاهم عرفی جمله، چیز دیگری بفهمد مثلاً کسی دقّ الباب می‌کند و از شخصی که درب را باز می‌کند سؤال می‌کند فلانی در منزل است و آن شخص که نمی‌خواهد بگوید بلی در منزل است جواب می‌دهد خیر اینجا نیست و قصد می‌کند که در اینجایی که من ایستاده‌ام نیست و سؤال کننده چنین می‌فهمد که در منزل نیست و توریه مفسده‌دار جایز نیست.

جلسه ۲۸: غیبت

۱۱۸. غیبت کردن در مسائلی که اگر درباره آن صحبت نشود؛ حل

نمی‌شود، چگونه است؛ مثلاً درباره استادی که خوب درس نمی‌دهد؟

ج. بیان نقاط ضعف استادان نزد مسؤولان به عنوان گزارش اشکال ندارد. و بطور کلی در مواردی که مصلحت غیبت، اهم از مفسده آن باشد غیبت حرام نیست.

۱۱۹ اگر در اتوبوس نشسته باشیم و دو نفر مشغول غیبت باشند و ما بشنویم، آیا گناهی مرتکب شده‌ایم؟

ج. چنانچه به غیبت گوش ندهید و بدون اختیار صدای آن‌ها به گوش شما برسد، اشکال ندارد.

۱۲۰. تقلید کردن از کارهای دیگران اعم از اعمال و رفتار دیگران و صدا چه حکمی دارد؟

بهار بندگی، ص: ۶۱

ج. اگر راضی نباشد جایز نیست.

۱۲۱. اگر کسی بگوید مثلاً مردم فلان شهر آدم‌های بدی هستند یا کسبه فلان شهر مردم را اذیت می‌کنند آیا جایز است یا نه؟ اگر منظورش از این قول بعض مردم آن شهر باشد چه؟

ج. اگر تعبیر مذکور، ظهور داشته باشد در اینکه همه اهل آن شهر چنین هستند یا توهین به اهل آن شهر باشد محل اشکال است.

جلسه ۲۹: وظیفه معلم و دانش آموز

۱۲۲. تقلب چه حکمی دارد؟

ج. تقلب نوعی خیانت است و جایز نیست؛ و خیانت در مسائل علمی، از سایر موارد، زشت‌تر است و در شأن مسلمان نیست.

۱۲۳. در بعضی از مدارس از معلمین می‌خواهند (نظر به اینکه این مدارس پولی است نه مجانی) که حتماً دانش آموز را نمره قبولی بدهند و رد نکنند، آیا جایز است برای او نمره قبولی بدهد و ایضاً

دانش آموز هدیه می‌آورد و البته انتظار دارد آیا قبول هدیه‌اش جائز است؟

ج. در فرض سؤال اگر دانش آموز استحقاق آن نمره را با توجه به رتبه تحصیلیش نداشته باشد نمره قبولی دادن محل اشکال است و همچنین اگر دادن هدیه در دادن نمره قبولی مؤثر باشد بطوری که اگر آن هدیه داده نمی‌شد معلم نمره قبولی را بر حسب رتبه تحصیلی نمی‌داد گرفتن آن جایز نیست.

جلسه ۳۰: خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها

۱۲۴. از غذاهایی که غیر مسلمان - کتابی یا غیر کتابی - درست می‌کند اعم از برنج و غیر برنج و گوشت و غیر گوشت جایز است که از آنها بخوریم یا خیر؟

ج. اگر غذا با دست و یا عضو دیگر غیر مسلمان ملاقات کرده باشد خوردن بهار بندگی، ص: ۶۲

آن جایز نیست و همچنین اگر با گوشت غیر مذکی درست شده باشد.

۱۲۵. بین گروهی مردم بخصوص افرادی که در زمینه شکار حیوانات دخالتی دارند شایع است که گوشت خرگوش و نوعی جوجه تیغی که علفخوار است و جنه بزرگی دارد و گویا شکنجه هم دارد مکروه است و می‌توان گوشت این جانوران را خورد. تقاضا می‌نمایم حکم شرعی این مسأله را بیان بفرمایید.

ج. گوشت خرگوش و جوجه تیغی هر نوع که باشند حرام است.

۱۲۶. آیا فروش گوشت کوسه ماهی جایز است و حلال می‌باشد یا خیر؟

ج. کوسه حرام گوشت است و اگر گوشت آن منافع محلله‌ای داشته باشد فروش آن بمنظور صرف در آن منافع اشکال ندارد.

۱۲۷. خوردن نوشابه‌های خارجی از نظر شرعی چه حکمی دارند آیا شرعاً حرام است یا حلال؟

ج. اگر یقین به نجاست آنها نداشته باشید مانعی ندارد البته سزاوار است که

مسلمین از محصولات کفار که ضرورتی در مصرف آن ندارند اجتناب نمایند.

۱۲۸. آیا استفاده کشمش در داخل غذا که در بعضی موارد باید آن را سرخ یا در بعضی مواقع در داخل غذاهای دیگر در آب جوش قرار می‌گیرد جایز است؟

ج. کشمش، با جوش آمدن و سرخ کردن نجس نمی‌شود و خوردن آن نیز اشکال ندارد.

بهار بندگی، ص: ۶۳

احادیث رمضانیه ۶

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِيَجَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ: يَا جَابِرُ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ مَنْ صَامَ نَهَارَهُ، وَقَامَ وَرَدًا مِنْ لَيْلِهِ وَاعْتَفَّ بَطْنُهُ وَفَرَجَهُ وَكَفَّ لِسَانَهُ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَخُرُوجِهِ مِنَ الشَّهْرِ. فَقَالَ جَابِرٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَحْسَنَ هَذَا الْحَدِيثِ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: يَا جَابِرُ وَمَا أَشَدَّ هَذِهِ الشَّرُوطُ؛ [۷]

حضرت رسول صلی الله علیه و آله به جابر بن عبدالله انصاری فرمودند: ای جابر. این ماه رمضان است؛ هر کسی روزه بگیرد و مقداری از شب آن را به عبادت مشغول شود و شکم و شهوت و زبانش را نگهدارد، خارج می‌شود از گناهان همچنان که ماه تمام می‌شود. پس جابر سؤال کرد: ای رسول خدا. چه گفتار زیبایی است! رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ای جابر. و این شرایط، بسیار سخت است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

شَهْرُ رَمَضَانَ شَهْرُ فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ صِيَامَهُ فَمَنْ صَامَهُ إِيْمَانًا وَاحْتِسَابًا خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ؛ [۸]

ماه رمضان ماهی است که خداوند روزه آن را واجب کرده بر شما.

بهار بندگی، ص: ۶۴

هر کس از روی ایمان و فرمانبری روزه بگیرد گناهایش بخشیده می‌شود مانند روزی که از مادرش متولد شده است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

صُومُوا تَصْحُوا

[۹]

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: روزه بگیرید تا سالم باشید.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

: الصَّوْمُ جُنَّةٌ [۱۰]

روزه سپری است در برابر آتش جهنم.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

هُوَ شَهْرٌ دُعِيتُمْ فِيهِ إِلَى ضِيَاةِ اللَّهِ وَجَعَلْتُمْ فِيهِ مِنْ أَهْلِ كَرَامَةِ اللَّهِ [۱۱]

ماه مبارک رمضان ماهی است که در آن به میهمانی الهی دعوت شده‌اید و مورد اکرام خداوند هستید.

قال الصادق عليه السلام

: مَنْ افْطَرَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ خَرَجَ رُوحَ الْإِيمَانِ مِنْهُ [۱۲]

کسی که روزی از ماه رمضان را (بدون عذر) افطار کند، روح

بهار بندگی، ص: ۶۵

ایمان از او بیرون خواهد رفت.

قال امير المؤمنين عليه السلام

: وَالصَّيَامُ ابْتِلاءٌ لِإِخْلَاصِ الْخَلْقِ [۱۳]

روزه امتحانی است برای خلوص بندگان.

قال الباقر عليه السلام

: بَنَى الْإِسْلَامَ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ، عَلَى الصَّلَاةِ، وَالزَّكَاةِ، وَالْحَجِّ، وَالصَّوْمِ، وَالْوَلَايَةِ [۱۴]

اسلام بر پنج چیز بنا شده است: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت.

در حدیث است که «حمزه بن محمد» به حضرت امام حسن عسکری علیه السلام نوشت: چرا خدا روزه را واجب فرمود؟ پاسخ رسید:

لِيَجِدَ الْغَنَى مَضْضَ الْجُوعِ فَيَحْنُو عَلَى الْفَقِيرِ؛ [۱۵]

برای اینکه ثروتمند احساس کند شدت گرسنگی را تا بر فقرا رحم کند.

بهار بندگی؛ ص ۶۵

قال الصادق عليه السلام

: أَنَّمَا فَرَضَ اللَّهُ الصَّيَّامَ لِيَسْتَوِيَ بِهِ الْغَنَى وَالْفَقِيرُ؛ [۱۶]

بهار بندگی، ص: ۶۶

خداوند روزه را واجب گردانید تا به وسیله آن غنی و فقیر مساوی گردند.

قال الصادق عليه السلام

: الصَّوْمُ لِي وَآنَا اجْزَى عَلَيْهِ؛ [۱۷]

خداوند می فرماید: روزه برای من است و پاداش آن بر من واجب است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

إِذَا صُمْتَ فَلْيَصُمْ سَمْعُكَ وَبَصْرُكَ وَشَعْرُكَ وَعَدَدَ أَشْيَاءَ غَيْرَ هَذَا؛ [۱۸]

وقتی روزه می گیری باید گوش تو و چشم تو و موی تو روزه بگیرد. و چیزهای دیگر را شمرد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

: لَا يَكُونَنَّ يَوْمٌ صَوْمِكَ كَيَوْمِ فِطْرِكَ؛ [۱۹]

البته روز تو مثل روزی که روزه نیستی، نباشد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

: مَا مِنْ عَبْدٍ صَائِمٍ يَشْتِمُ فَيَقُولُ: أَنِّي صَائِمٌ سَلَامٌ عَلَيْكَ لَا أَشْتِمُكَ كَمَا تَشْتِمُنِي إِلَّا قَالَ الرَّبُّ

بهار بندگی، ص: ۶۷

تعالی:

اسْتَجَارَ عَبْدِي بِالصَّوْمِ مِنْ شَرِّ عَبْدِي قَدْ اجْرَتْهُ النَّارُ؛ [۲۰]

بنده روزه داری نیست که به او دشنام داده شود و او به دشنام دهنده بگوید: من روزه هستم. سلام بر تو! من دشنام نمی دهم؛ چنان چه تو دشنام می دهی؛ مگر این که پروردگار تعالی می فرماید: بنده من به وسیله روزه از شر بنده (به من) پناه جست. من به تحقیق او را از (شر) آتش پناه دادم.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

: الشَّقِيُّ مَنْ حَرَّمَ غُفْرَانَ اللَّهِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْعَظِيمِ؛ [۲۱]

بدبخت کسی است که از آمرزش خدا در این ماه بزرگ محروم بماند و نتواند خود را عوض کند و گناه و معصیت را کنار بگذارد.

قال امير المؤمنين عليه السلام

: اِنَّمَا هُوَ عِيدٌ لِمَنْ قَبَلَ اللَّهُ مِنْهُ صِيَامَهُ، وَشَكَرَ قِيَامَهُ، وَكُلَّ يَوْمٍ لَا يَعْصِي اللَّهُ فِيهِ فَهُوَ عِيدٌ

؛ [۲۲]

امروز، عید است برای کسی که روزه‌اش مقبول، و سعی و کوشش مشکور، و گناهش مغفور شده باشد.

قال امير المؤمنين عليه السلام

: الْيَوْمُ لَنَا عِيدٌ، وَغَدَا لَنَا عِيدٌ، وَ

بهار بندگی، ص: ۶۸

كُلُّ يَوْمٍ لَا تَعْصِي اللَّهُ فِيهِ فَهُوَ لَنَا عِيدٌ؛ [۲۳]

امروز برای ما عید است و فردا هم برای ما عید است و هر روزی را که در آن معصیت خدا نکنیم آن روز برای ما عید است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

: إِذَا كَانَ يَوْمُ عِيدِ الْفِطْرِ وَقَفَتِ الْمَلَائِكَةُ عَلَى أَبْوَابِ الطَّرِيقِ فَنَادُوا: اغْدُوا يَا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِينَ إِلَى رَبِّكُمْ بِمَنْ بِالْخَيْرِ ثُمَّ يَثِيبُ عَلَيْهِ

الْجَزِيلَ لَقَدْ أَمَرْتُمْ بِقِيَامِ اللَّيْلِ فَقَمْتُمْ، وَ أَمَرْتُمْ بِصِيَامِ النَّهَارِ فَصَمْتُمْ، وَ أَطَعْتُمْ رَبَّكُمْ فَاقْبِضُوا جَوَائِزَكُمْ فَإِذَا صَلَّوْا نَادَى مُنَادٌ: أَلَا إِنَّ رَبَّكُمْ

قَدْ غَفَرَ لَكُمْ فَارْجِعُوا رَاشِدِينَ إِلَى رِحَالِكُمْ فَهُوَ يَوْمُ الْجَائِزَةِ، وَ يُسَمَّى ذَلِكَ الْيَوْمَ فِي السَّمَاءِ يَوْمَ الْجَائِزَةِ؛ [۲۴]

روز عید فطر، فرشتگان بر در هر راهی می‌ایستند و ندا می‌دهند: ای مسلمانان. صبح خود را با آرزوی خیر از خداوند بخشنده آغاز

کنید تا ثواب بزرگی از طرف خدا به شما برسد. همانا به شب‌زنده‌داری امر شدید، انجام دادید و نیز به روزه‌داری مأمور شدید

فرمان بردید، و پروردگارتان را اطاعت کردید، پس جوایزتان را دریافت کنید. هنگامی که نماز عید خوانده می‌شود منادی ندا

می‌دهد: آگاه باشید که پروردگارتان شما را آمرزید، برگردید به منازلتان در حالی که هدایت شده هستید. امروز روز جایزه و در

آسمان هم به همین اسم نامیده شده است.

بهار بندگی، ص: ۶۹

خطب امير المؤمنين علي بن ابيطالب عليه السلام للناس يوم الفطر فقال: يا ايها الناس ان يومكم هذا يوم يثاب فيه المحسنون، و يخسر

فيه المسيئون و هو اشبه يوم بيوم قيامتكم فاذكروا بخروجكم من منازلكم الى مصلاكم خروجكم من الاجداث الى ربكم، و اذكروا

بوقوفكم في مصلاكم ووقوفكم بين يدي ربكم و اذكروا برجوعكم الى منازلكم (رجوعكم الى منازلكم) في الجنة او النار. و اعلموا

عباد الله ان ادنى ما للصائمين و الصائمات ان يناديهم ملك في آخر يوم من شهر رمضان: ابشروا عباد الله فقد غفر لكم ما سلف من

ذنوبکم فانظروا کیف تکونون فیما تستأنفون [۲۵]؛

امیرالمؤمنین علیه‌السلام در روز عید فطری خطبه خواند و فرمود: ای مردم این روز شما روزی است که در آن نیکوکاران ثواب داده می‌شوند، و بدکاران زیانکار می‌گردند، و شبیه‌ترین روز است به روز قیامت شما. پس یاد کنید به بیرون آمدنتان از منزلهایتان بسوی نماز گاهتان، بیرون آمدن خودتان را از قبرها بسوی پروردگارتان، و یاد کنید به ایستادن‌تان در نماز گاهتان، ایستادن‌تان را در برابر پروردگارتان، و یاد کنید به بازگشت بسوی منازل‌تان (بازگشت خود را بسوی منزلتان) در بهشت یا آتش. و بدانید بندگان خدا! کمتر چیزی که برای مردان و زنان روزه‌دار است این است که فرشته‌ای در روز آخر ماه رمضان ندا می‌کند: شادمان باشید بندگان خدا بتحقیق گناهان گذشته شما آمرزیده شد. پس نگاه کنید چگونه می‌باشید در اعمال و رفتار آینده که چگونه آغاز می‌نماید.

بهار بندگی، ص: ۷۰

مناجات امیرالمؤمنین علیه‌السلام

شب به گوش آدمم از سوی حجاز

ناله و صوت مناجات و نیاز

ناله‌ای کز دل پاکی خیزد

حالت شوق و نشاط انگیزد

نغمه‌ای روح نشین جان پرور

اندر آن سرّ حقیقت مضمّر

ناله پرشور و صدا پرسوز است

شب ز انوار تجلّی روز است

رهروی حاکم مُلک و ملکوت

بنده‌ای واقف سرّ لاهوت

عاشقی مست ز صهای وصال

گشته با خالق خود گرم مقال

حمد می گفت و ستایش می کرد

بر در دوست نیایش می کرد

نالهی نافذ سوزانی داشت

حالت زار پریشانی داشت

بهار بندگی، ص: ۷۱

تنش از بیم خدا لرزان بود

نازنین دیده‌ی او گریان بود

یار، بی پرده تماشا می کرد

خلوت خاص تمنا می کرد

این چنین در حقایق می سفت

راز در حضرت جانان می گفت

ای که ذکر تو بود اصل شفا

نیست سرمایه‌ی من غیر رجا

از درت کس نشود خائب باز

پاکی از بخل و نیاز و انباز

نعمت هست فزون از احصا

حق شکر نتوان کرد ادا

یاد تو ورد زبانم باشد

حُبّ تو مونس جانم باشد

فخرم این بس که تو مولای منی

خالق و رازق و ملجای منی

بر درت خوار و حقیر آمده‌ام

زار و محتاج و فقیر آمده‌ام

بهار بندگی، ص: ۷۲

تویی آن خالق قهار جلیل

منم آن بنده‌ی مسکین و ذلیل

چه خوش است آنکه به درگاه خدا

بنده‌ای روی نهد بهر دعا

آن قدر عرض ادب کرد و نیاز

که جهان گشت پر از سوز و گداز

زان مناجات ملایک مبهوت

دشت و صحرا همه جا بود سکوت

ناگهان گشت صدایش خاموش

جلوه‌ی دوست نمودش مدهوش

مرغ حق ماند ز تسیح و نوا

من در اندیشه‌ی آن نغمه سرا

یارب این صوت مناجاتِ که بود؟

که ز من طاقت و آرام ربود؟

یارب این صوت روان بخش ز کیست؟

هاتفی گفت که این صوت علی است

این مناجات علی شیر خداست

که از آن ولوله در ارض و سماست

بهار بندگی، ص: ۷۳

یکه تاز غزوات اسلام

فاتح خیبر و احزاب لثام

این علی بود که در بزم حضور

هست چون موسی عمران در طور

شب رود چونکه به خلوتگه راز

به سوی دوست نماید پرواز

همه شب سوز و گدازی دارد

با خدا راز و نیازی دارد

از رُخش نور خدا تابان است

محو در معرفت جانان است

صاحب مکرمت و لطف عمیم

مظهر رحمت یزدان رحیم

خود به سر وقت یتیمان می‌رفت

کلبه‌ی تنگ فقیران می‌رفت

پرسش از حال ضعیفان می‌کرد

با همه رأفت و احسان می‌کرد

نشد از معدلتش کس محروم

خصم ظالم بُد و یار مظلوم

بهار بندگی، ص: ۷۴

داشت مُلک دو جهان زیر نگین

بُد غذایش نمک و نان جوین

آن کز ضربت بن ملجم دون

حق نما صورت او شد پُر خون

چهره‌ی عدل شد از ظلم نهران

گشت ارکان هدایت ویران

کُشته شد شیر خدا حبل متین

کُشته شد رهبر ارباب یقین

یا علی! ای تو مُراد دل من

حُب تو مایه‌ی آب و گِل من

الکن از مدح تو نطق ملک است

کمترین پایه‌ی قدرت فلک است

نامه‌ام پر شده از جرم و گناه

روسیاهم به تو آورده پناه

به درت آمده محتاج عطا

«لطفی صافیت» ای بحر سخا

به ولایت، دل محکم دارم

پس چه باکی ز جهنم دارم

بهار بندگی، ص: ۷۵

بسته‌ی سنبل گیسوی توام

فخرم این بس که سگ کوی توام

من نجف را به جهان نفروشم

سر کویت به جنان نفروشم

حزمت روضه‌ی رضوان من است

دین و دنیای من ایمان من است

[۲۶]

بهار بندگی، ص: ۷۶

نگرشی اجمالی بر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی مدظله الوارف

نام کتاب----- زبان----- ترجمه

فقه

- ۱----- توضیح المسائل----- فارسی-----
- ۲----- منتخب الاحکام----- فارسی-----
- ۳----- احکام نوجوانان----- فارسی----- انگلیسی
- ۴----- جامع الاحکام در ۲ جلد----- فارسی-----
- ۵----- استفتائات قضایی----- فارسی-----
- ۶----- استفتائات پزشکی----- فارسی-----
- ۷----- مناسک حج----- فارسی----- عربی
- ۸----- مناسک عمره مفرده----- فارسی----- عربی
- ۹----- هزار سؤال پیرامون حج----- فارسی-----
- ۱۰----- پاسخ کوتاه به ۳۰۰ پرسش در ۲ جلد----- فارسی-----
- ۱۱----- اعتبار قصد قربت در وقف----- فارسی-----
- ۱۲----- رساله در احکام ثانویه----- فارسی-----
- ۱۳----- فقه الحج در ۴ جلد----- عربی-----
- ۱۴----- هدایه العباد در ۲ جلد----- عربی-----

- ۱۵- هداية السائل --- عربى ---
- ۱۶- حواشى على العروة الوثقى --- عربى ---
- ۱۷- رسائل الخمس من فقه الإمامية --- عربى ---
- ۱۸- صلاة المسافر --- عربى ---
- ۱۹- فقه الخمس --- عربى ---
- ۲۰- أوقات الصلوة --- عربى ---
- بهار بندگی، ص: ۷۷
- ۲۱- الاحكام الشرعية ثابتة لا تتغير --- عربى --- فارسى ---
- ۲۲- التعزير (احكامه و ملحقاته) --- عربى ---
- ۲۳- ضرورة وجود الحكومة او ولاية الفقهاء فى عصر الغيبة (الخمس و ولاية الفقيه) --- عربى --- فارسى ---
- ۲۴- رسالة فى معاملات المستحثة --- عربى ---
- ۲۵- التداعى فى مال من دون بينة و لا يد --- عربى ---
- ۲۶- رسالة فى المال المعين المشتبه ملكيته --- عربى ---
- ۲۷- حكم نكول المدعى عليه عن اليمين --- عربى ---
- ۲۸- ارث الزوجة --- عربى ---
- ۲۹- مع الشيخ جاد الحق فى ارث العصبه (مسألة التعصیب) --- عربى ---
- ۳۰- حول ديات ظريف ابن ناصح --- عربى ---
- ۳۱- بحث حول الاستسقام بالازلام (مشروعية الاستخارة) --- عربى ---
- ۳۲- الشعائر الحسينية --- عربى ---
- ۳۳- آنچه هر مسلمان بايد بداند --- تركى ---
- اصول فقه
- ۳۴- بيان الاصول در ۳ جلد --- عربى ---
- ۳۵- رسالة فى الشهرة --- عربى ---
- ۳۶- رسالة فى حكم الاقل و الاكثر فى الشبهة الحكمية --- عربى ---
- ۳۷- رسالة فى الشروط --- عربى ---
- قرآن و تفسير
- ۳۸- تفسير آيه فطرت --- فارسى ---
- ۳۹- القرآن مصون عن التحريف --- عربى ---
- ۴۰- تفسير آيه التطهير --- عربى ---
- ۴۱- تفسير آيه الانذار --- عربى ---
- عقايد و كلام
- ۴۲- عرض دين --- فارسى ---
- ۴۳- به سوى آفریدگار --- فارسى ---

- ۴۴- الهیات در نهج البلاغه- فارسی-
بهار بندگی، ص: ۷۸
- ۴۵- معارف دین ۲ جلد- فارسی-
۴۶- پیرامون روز تاریخی غدیر- فارسی-
۴۷- ندای اسلام از اروپا- فارسی-
۴۸- نگرشی بر فلسفه و عرفان- فارسی-
۴۹- نیایش در عرفات- فارسی-
۵۰- سفرنامه حج- فارسی-
۵۱- شهید آگاه- فارسی-
۵۲- نوید امن و امان- فارسی-
۵۳- پاسخ ده پرسش- فارسی-
۵۴- اصالت مهدویت- فارسی-
۵۵- تجلی توحید در نظام امامت- فارسی- عربی-
۵۶- نظام امامت و رهبری- فارسی-
۵۷- ولایت تکوینی و ولایت تشریحی- فارسی-
۵۸- پیرامون معرفت امام- فارسی-
۵۹- عقیده نجات بخش- فارسی-
۶۰- به سوی دولت کریمه- فارسی-
۶۱- باورداشت مهدویت- فارسی- عربی-
۶۲- انتظار، عامل مقاومت و حرکت- فارسی-
۶۳- فروغ ولایت در دعای ندبه- فارسی- عربی-
۶۴- معرفت حجت خدا- فارسی-
۶۵- وابستگی جهان به امام زمان- فارسی-
۶۶- توضیحات پیرامون کتاب عقیده مهدویت در تشیع امامیه- فارسی- انگلیسی-
۶۷- امامت و مهدویت- فارسی-
۶۸- پیام‌های مهدوی- فارسی-
۶۹- گفتمان مهدویت- فارسی- انگلیسی-
۷۰- گفتمان عاشورایی- فارسی-
۷۱- مقالات کلامی- فارسی-
۷۲- الی‌هدی کتاب الله- عربی-
۷۳- ایران تسمع فتجیب- عربی-
بهار بندگی، ص: ۷۹
- ۷۴- رساله حول عصمه الانبیاء و الائمة- عربی-

- ۷۵- ---- تعلیقات علی رساله الجبر و القدر ---- عربی ----
- ۷۶- ---- لمحات فی الكتاب و الحدیث و المذهب ---- عربی ----
- ۷۷- ---- صوت الحق و دعوه الصدق ---- عربی ----
- ۷۸- ---- رد اکذوبه خطبه الامام علی،
علی الزهرا علیهما السلام ---- عربی ----
- ۷۹- ---- مع الخطیب فی خطوطه العریضه ---- عربی ---- اردو/ فرانسه
- ۸۰- ---- رساله فی البداء ---- عربی ----
- ۸۱- ---- جلاء البصر لمن یتولی الائمة الاثنی عشر ---- عربی ----
- ۸۲- ---- حدیث افتراق المسلمین علی ثلاث و سبعین فرقه ---- عربی ----
- ۸۳- ---- من لهذا العالم؟ ---- عربی ----
- ۸۴- ---- بین العلمین، الشیخ الصدوق
والشیخ المفید ---- عربی ---- فارسی
- ۸۵- ---- مقدّمات مفصله علی «مقتضب الاثر» و «مکیال المکارم» و «منتقى الجمان» ---- عربی ----
- ۸۶- ---- امان الائمة من الضلال و الاختلاف ---- عربی ----
- ۸۷- ---- البكاء علی الامام الحسین علیه السلام ---- عربی ----
- ۸۸- ---- النقود اللطیفه علی الكتاب المسمى بالانخبار الدخیله ---- عربی ----
- حدیث
- ۸۹- ---- منتخب الاثر در ۳ جلد ---- عربی ---- اردو/ انگلیسی
- ۹۰- ---- قبس من مناقب امیر المؤمنین (ع) (مئه و عشر حدیث من کتب عامه) ---- عربی ---- فارسی
- ۹۱- ---- احادیث الائمة الاثنی عشر، اسنادها و الفاظها ---- عربی ----
- ۹۲- ---- احادیث الفضائل ---- عربی ----
- ۹۳- ---- پرتوی از فضائل امیر المؤمنین (ع) ---- فارسی ----
- تاریخ
- ۹۴- ---- سیر حوزہ های علمی شیعه ---- فارسی ----
- ۹۵- ---- رمضان در تاریخ (حوادث تاریخی) ---- فارسی ----
- سیره
- بهار بندگی، ص: ۸۰
- ۹۶- ---- پرتوی از عظمت امام حسین (ع) ---- فارسی ----
- ۹۷- ---- با عاشورایان ---- فارسی ----
- ۹۸- ---- آینه جمال ---- فارسی ----
- ۹۹- ---- از نگاه آفتاب ---- فارسی ----
- ۱۰۰- ---- اشک و عبرت ---- فارسی ----

- ۱۰۱- ماه مبارک رمضان، مکتب عالی تربیت و اخلاق- فارسی-
 ۱۰۲- راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر- فارسی-
 ۱۰۳- با جوانان- فارسی-

شعر

- ۱۰۴- دیوان اشعار- فارسی-
 ۱۰۵- یزم حضور- فارسی-
 ۱۰۶- آفتاب مشرقین- فارسی-
 ۱۰۷- صحیفه المؤمن- فارسی-
 ۱۰۸- سبط المصطفی- فارسی-
 ۱۰۹- در آرزوی وصال- فارسی-

مقاله‌ها و خطابه‌ها

- ۱۱۰- حدیث بیداری (مجموعه پیام‌ها)- فارسی-
 ۱۱۱- شب پرگان و آفتاب- فارسی-
 ۱۱۲- شب عاشورا- فارسی-
 ۱۱۳- صبح عاشورا- فارسی-

تراجم

- ۱۱۴- زندگانی آیت الله آخوند ملا محمد جواد صافی گلپایگانی- فارسی-
 ۱۱۵- زندگانی جابر بن حیان- فارسی-
 ۱۱۶- زندگانی بوداسف- فارسی-

[۱] (۱). بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۱۵۷؛ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۹۵.

[۲] (۱). این پیام معظم له در رمضان المبارک ۱۴۲۳ ق نگاشته شده است.

[۳] (۱). این متن برگزیده‌ای از کتاب با ارزش «رمضان در تاریخ» معظم له می‌باشد.

[۴] (۱). برگزیده‌ای از کتاب معارف دین جلد ۱ و ۲، تألیف معظم له

[۵] (۲). سوره اسراء، آیه ۸۸.

[۶] (۱). برگرفته از کتاب‌های «رمضان در تاریخ» و «عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق یا ماه مبارک رمضان»

[۷] (۲) و ۲. وافی، ج ۷، ص ۵۵، ب ۵۸

[۸] (۳)

[۹] (۱). مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۵۰۲.

[۱۰] (۲). کافی، ج ۲، ص ۱۹

[۱۱] (۳). بحار، ج ۹۶، ص ۳۵۶، ح ۳۵، چاپ بیروت

- [۱۲] (۴). وافی، ج ۷، ص ۴۱.
- [۱۳] (۱). نهج البلاغه، ج ۳، ص ۲۰۸، کلمه ۲۵۳
- [۱۴] (۲). المحجّة البيضاء، ج ۲، ص ۱۲۲
- [۱۵] (۳). وافی، ج ۷، ص ۶، ب ۲
- [۱۶] (۴). همان.
- [۱۷] (۱). وافی، ج ۷، ص ۵، ب ۱
- [۱۸] (۲). وافی، ج ۷، ص ۳۳، ب ۳۴
- [۱۹] (۳). همان.
- [۲۰] (۱). کافی، ج ۳، ص ۸۸
- [۲۱] (۲). بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۳۵۶
- [۲۲] (۳). نهج البلاغه، ج ۴، ص ۱۰۰.
- [۲۳] (۱). مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۱۵۴
- [۲۴] (۲). منقول از طبرانی و کبیر.
- [۲۵] (۱). امالی صدوق، ص ۸۸ و ۸۹ مجلس ۲۱.
- [۲۶] (۱). شعر سروده معظم له می‌باشد.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

